مطالعه استقلال قضایی در ایران با نگاهی به نظام قضایی ایالات متحده امریکا

مرضیه سلمانی سیبنی[1]

چکیده:

دستگاه قضایی مرجع تظلم‌خواهی شهروندان درمقابل تعدیاتی است که حقوق آنها را با تهدید مواجه می‌سازد. استقلال دستگاه قضا شرط اصلی صحت انجام وظایف قضات و منحرف نشدن از مسیر دادرسی منصفانه است. شرط اساسی حصول به استقلال قضایی، استقلال مجموعه دادگستری از دیگر نهادهای حکومتی ، با رعایت اصل تفکیک قواست. تفکیک قوه‌ی قضاییه از دیگر قوای حاکم، که اولین گام در تحقق استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی می‌باشد را می‌توان در اصول متعددی از قوانین اساسی ایران و امریکا مشاهده نمود؛ اما صرف این امر به معنای استقلال کامل و مطلوب قضایی در این کشورها نیست. حصول استقلال قضایی در معنای واقعی خود، تأمین استقلال و بی‌طرفی قاضی را می‌طلبد. بدین معنا که قضات در شرایطی باشند که بتوانند تنها با در نظر گرفتن قانون، عدالت و انصاف به صدور رأی بپردازند و در نهایت از رفتار مستقلانه‌ی خود، ترس و هراسی از انفصال ، تنزیل رتبه و مقام و تغییر محل خدمت و به خطر افتادن موقعیت شغلی خود به دل راه ندهند. این استقلال بایستی همه جانبه باشد؛ بدین معنی که قاضی، نه تنها در درون قوه‌ی قضاییه، بلکه در خارج از آن نیز به نحوی از حمایت قانون برخوردار باشد که از سوی هیچ مقام و منصب و یا نهاد حکومتی دیگری و حتی افکار و منافع عمومی، در معرض تهدید و اعمال نفوذ قرار نگیرد.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی ، تفکیک قوا ، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی، بی‌طرفی قاضی

---

[1] دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران

مقدمه

در طول تاریخ، نظریه‌پردازان و حقوق‌دانان همواره جایگاه بسیار مهم و حساسی برای دستگاه قضایی قائل بوده اند. بدین مفهوم که علاوه بر شناسایی قوه‌ی قضاییه به عنوان قوه‌ای مستقل در کنار دیگر قوا، معتقد بودند این دستگاه بایستی از چنان احترام و استقلالی درمقابل هرمقام و دستگاهی برخوردار شود تا از تمامی سوء استفاده‌ها و اعمال نفوذها جلوگیری شود.[۱] استقلال قضایی در معنای اولیه‌ی خود، آزادی و استقلال دستگاه قضایی از دیگر نهادهای حکومتی است؛ به بیانی دیگر در پی شناساندن قوه‌ی قضاییه به عنوان یک قوه‌ی مستقل و هم‌تراز با قوه‌ی مجریه و مقننه و دارای اختیار اداره‌ی امور اجرایی درون سازمانی خود، بدون مداخله‌ی ناروا از ناحیه‌ی سایر قواست.[۲] بدان معنا که دستگاه قضایی بایستی از هرگونه فشار ناروا که بر نحوه‌ی تصمیم‌گیری‌هایش تأثیرگذار است به دور باشد[۳] و قضات نیز نباید از تصمیمات خود ترس و هراسی در دل داشته باشند و یا قبل از تصمیم‌گیری از سوی مقامات تحت نفوذ و تأثیر قرار گیرند.[۴]

نخستین پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود، سوال از ضرورت استقلال قضایی است. بدین معنا که دستگاه قضایی به چه دلیلی می‌بایست در میان دیگر دستگاههای دولتی از چنان استقلالی برخوردار باشد که حتی گاهی برخی ارتباطات میان دستگاه قضایی با سایر قوا، مداخله و نقض استقلال نامیده میشود؟ پرسش بعدی که در پی آن مطرح خواهیم کرد،

---

[1] Weber, Linda, Judicial Independence: Essential, Limited, Controversial , Leonore Annenberg Institution for Civics, At: www.annenbergclassroom.org , p.1

[2] «Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts», American Bar Association, August 2007,110D. at: www. abanet .org/ leadership /2007/ annual /docs/hunderdtend.doc

[3] Uddhav Prasad Pudasaini, Concept of Independent judiciary and New Constitution, M.A, B.L, LL.M student, Nepal law campus, section officer, appellate court, Patan , p.1

[4] ن.ک : Stephen B. Burbank, The Architecture of Judicial Independence, 72 S. CAL. L. REV. 315, 316 (1999) , A.E. Dick Howard, Judicial Independence in Post-Communist Central and Eastern Europe, in Judicial Independence In The Age Of Democracy 89, 89 (Peter H. Russell & David O'Brien eds. 2001) , John Ferejohn, Independent Judges, Dependent Judiciary: Explaining Judicial Independence, 72 S. CAL. L. REV. 353, 366 (1999)

این است که استقلال تشکیلاتی به چه معناست؟ و چه مواردی از ارتباطات میان دستگاه قضایی با سایر قوا را می‌توان نقض استقلال قضایی ندانست؟ و در نهایت در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که، آیا در ایران دستگاه قضایی توانسته به استقلال مطلوب و شایسته دست پیدا کند؟ و چه چالشهایی استقلال قضایی را در ایران با تهدید روبرو می‌سازد؟ و چه راهکارهایی را می‌توان برای رفع این مداخلات و نفوذ مقامات و نهادهای دیگر در دستگاه قضایی پیشنهاد نمود؟

به منظور پاسخ به این پرسشها، می‌بایست در ابتدا قوانین مرتبط با استقلال قضایی را در ایران را بررسی گردد. و علاوه بر مقررات وضع شده، نحوه‌ی اجرای مقرراتی که به منظور رعایت استقلال دستگاه قضایی وضع گردیده‌اند، را مورد مطالع قرار داد؛ به عنوان نمونه نحوه‌ی گزینش قضات شایسته و باکفایت در مرحله‌ی اول و در مراحل بعدی آن، چگونگی ارتقاء و نصب و عزل‌های قضات بر اساس اصول شایسته‌سالاری و یا میزان تأمین استقلال مالی دستگاه قضایی و تخصیص منابع مالی کافی برای این دستگاه عظیم و مهم در بودجه عمومی کشور و از این قبیل.[1] مفید است در کنار بررسی مسائل و مشکلات موجود در باب تأمین استقلال قضایی در ایران و به منظور ارائه راهکارهای عملی تر در جهت رفع این چالشها، مثالهایی از کشور امریکا نیز بیان گردد. در نوشتار پیش رو مباحث در خصوص استقلال قضایی در سه بخش استقلال تشکیلاتی و استقلال قاضی و بیطرفی قضات مطرح خواهد شد. استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی که خود شامل استقلال قوه قضاییه از دیگر قوا و همچنین استقلال مالی آن است. از سوی دیگر استقلال و بی‌طرفی قضات که مربوط به عدم دخالت مقامات در رسیدگی به پرونده های قضایی و همینطور عدم تمایل قلبی خود قاضی نسبت به یکی از دو طرف دعواست.

[1] Luu Tien Dung , Judicial independence in transitional countries , United Nations Development Programme Oslo Governance Centre The Democratic Governance Fellowship Programme , January 2003 , p.3

۱- استقلال تشکیلاتی قوه‌ی قضاییه

به منظور درک بهتر میزان استقلال تشکیلاتی در دستگاه قضایی ایران، می‌بایست نحوه‌ی تعامل این دستگاه را با دیگر ارگانهای حکومتی بررسی نمود. به بیانی دیگر این مبحث به دنبال پاسخگویی به این پرسشهای اصلی است: میزان دخالت قوای دیگر در تشکیلات قضایی به چه اندازه است؟ و در نهایت آیا قوه‌ی قضایی در کشور ما از استقلال تشکیلاتی مطلوب و مورد نیاز برخوردار است؟ به منظور پاسخگویی به این پرسشهای اصلی میبایست ابتدا در پی یافتن پاسخ برای پرسشهای جزئی تر بود: آیا دستگاه قضایی صلاحیت عام بر تمامی دعاوی حقوقی و کیفری دارد و یا در جمهوری اسلامی ایران میتوان دستگاههای دیگری را نیز یافت که به این دعاوی رسیدگی مینمایند؟ آیا دستگاه قضایی از استقلال مالی کافی برخوردار است و یا در خصوص بودجه‌ی این دستگاه قوای دیگر تصمصم‌گیری مینمایند؟

استقلال تشکیلاتی قضایی پیش از هرمسئله‌ی دیگر مبتنی بر نظام تفکیک قواست. درحقیقت تفکیک قوا به معنای تفکیک وظایف اصلی و تخصصی حکومتی و سپردن هریک به قوه‌ای مستقل و جداگانه می‌باشد. یکی از مهم‌ترین وظایف حکومتی حل و فصل اختلافات بر اساس قوانین می‌باشد که به منظور ایفای هرچه بهتر این وظیفه، قوه‌ی قضاییه بصورت قوه‌ای مستقل و جداگانه تأسیس گردید. به بیان دیگر زمانی عدالت بصورت دلخواه آن اجرا خواهد شد، که در آن قضات و بطور کلی دستگاه قضایی از دیگر دستگاههای حکومتی مستقل باشند. اما مسئله ای که در این بین مطرح است، به نحوه‌ی تفکیک دستگاه قضایی از دیگر دستگاههای حکومیتی است. در گذشته نظر بر این بود که قوای سه گانه باید از یکدیگر به صورت کامل و مطلق جدا باشند تا بتوانند به نحو مطلوبی به ایفای وظایف تخصصی خود بپردازند. ولی به مرور زمان و بر اساس تجربیات بدست آمده این نتیجه حاصل گردید که تفکیک مطلق قوا نه عملی است و نه به مصلحت. بدین خاطر بود که اصطلاح تفکیک انعطاف‌ناپذیر قوا را به جای تفکیک مطلق قوا برگزیدند؛ بدین توضیح که

گاهی به هرکدام از قوای حکومتی وظایف و کارکردهایی سپرده می‌شود که از نوع کارویژه-های آن‌ها نیست؛ البته اعطای اینگونه اختیارات بایستی به نحو متعادل انجام گیرد تا مانع از جمع شدن اختیارات وسیع در دستان یک بخش از حکومت گردد. علاوه بر این تعادل دراین امر، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از این اختیارات لازم است حدود آن از سوی مقام یا نهاد دیگری کنترل شود.[۱] استقلال دستگاه قضایی نیز از این مسئله مستثنا نیست. بدین معنی که شاید برخی تصور کنند منظور از استقلال قضایی اینست که قوه‌ی قضاییه و قضات بایستی از نظارت و کنترل دیگر قوا نیز در امان باشد تا بتوان به اجرای عدالت و تأمین استقلال مطلوب و مورد نظر دستگاه قضایی دست یافت؛ اما اگر هیچ‌گونه نظارتی بر آن صورت نگیرد که آن‌ها را ملزم به پاسخگویی نماید، دستگاه قضایی نیز همانند دیگر ارگان-های حکومتی ممکن است تبدیل به یک دستگاه فاسد و غیرمسئول شود. درواقع استقلال مطلوب قضایی همواره درکنار نظارت و پاسخگویی مطلوب و متعادل است که معنا پیدا می-کند[۲] به منظور تأمین استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی، وجود برخی شرایط الزامی است. بنابراین برای بررسی چالشهای موجود استقلال قضایی در ایران، باید ابتدا سنجه های استقلال قضایی مطلوب را دانست تا بر اساس این شرایط بتوان راهکار مناسبی به منظور برطرف ساختن چالشهای موجود ارائه نمود.

۱-۱- صلاحیت عام دستگاه قضایی برای رسیدگی به دعاوی و جرایم

بر اساس یکی از اصول اساسی استقلال قضایی، رسیدگی به تمامی دعاوی مربوط به احقاق حق و یا رسیدگی به جرایم، میبایست در صلاحیت مراجع دادگستری باشد. درواقع هدف از طرح این مسئله بر میگردد به بند سوم از اصل اول اصول اساسی درباره استقلال قوه

---

[۱] راسخ ، محمد ، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی ، انتشارات دراک ، پاییز ۱۳۸۸ ، چاپ نخست ، صص۲۳ ، ۲۵

[2] B. Cross , Frank , Thoughts on Goldilocks and Judicial Independence, Ohio State Law Journal, Vol. 64: 195 , p.1

قضاییه[۱] که یکی از شروط تأمین استقلال قضایی را اینگونه بیان میدارد: « قوه قضاییه دارای صلاحیت عام بر کلیه موضوعات با ماهیت قضایی میباشد...» اما در خصوص رعایت این اصل مهم در قوانین جمهوری اسلامی ایران، میتوان مبحث را با طرح یک پرسش آغاز نمود که آیا دستگاه قضایی در ایران صلاحیت عام برای رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری دارد یا خیر؟ برای پاسخ به پرسش مطرح شده، میبایست بررسی نمود که آیا نهاد دیگری به غیر از دستگاه قضایی در ایران وجود دارد که به موضوعاتی که دارای ماهیت قضایی میباشند رسیدگی بنماید؟ با اندکی تأمل میتوان به نهاد بحث برانگیزی به نام دادگاه ویژه روحانیت رسید. وجود این تشکیلات غیرمنطقی از چند جهت به اصول حقوق عمومی خدشه وارد نموده و در حقیقت نقض اصول حقوق اساسی است. از سویی میتوان تشکیل این دادگاه را برخلاف اصول قانون اساسی دانست که به موجب اصل اصل یکصد و پنجاه و نهم[۲] قانون اساسی تشکیل دادگاه فقط به موجب قانون است، دانست. سابقه ایجاد دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به خرداد سال ۱۳٦٦ شمسی بر می‌گردد که رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی (ره)، حجۀ الاسلام علی رازینی را به عنوان حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و حجۀ الاسلام علی فلاحیان را به عنوان دادستان دادسرای ویژه روحانیت منصوب نمودند. در سال ۱۳٦۹ آئین نامه‌ای شامل ٤۷ ماده و ۱۰ تبصره که توسط حجۀ الاسلام محمدی ری شهری تنظیم شده بود، مورد موافقت مقام رهبری قرار گرفت.درواقع تنها ماده قانونی که در مجلس شورای اسلامی رجع به دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت است را ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دانست که در حقیقت به وظایف این دادگاه پرداخته است : «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت، رهبرکبیر انقلاب امام خمینی(ره) تشکیل گردیده وعهده‌دار وظایف ذیل می باشد: الف) اقدامات لازم جهت پیشگیری از وقوع

---

[۱] مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و رفتار با متخلفان منعقد در میلان از تاریخ ۲٦ اوت تا ٦ سپتامبر و تأیید مجمع عمومی در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵

[۲] «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است . تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است».

تخلفات و جرائم در محدوده مسائل قضائی . ب) ارشاد در امور خلاف شأن ج) رسیدگی به جرائم روحانیون و پرونده‌هائی که به نحو موثری با اهداف این دادسرا مرتبط است.»[۱]

بنابراین تمامی وظایف مذکور در این قانون کاملا مشابه وظایف دستگاه قضایی است که در قانون اساسی به آن اشاره گردید. اما به موجب ماده‌ی یک آیین نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت[۲] ، این دادگاه از مجموعه‌ی قوه‌ی قضاییه خارج گردیده و تحت نظارت عالیه‌ی مقام رهبری قرار داده شده است. بنابراین می‌توان گفت یکی از شروط و مبانی اصل استقلال قضایی که در بالا بدان اشاره گردید به موجب این قوانین در دادگاه ویژه روحانیت نقض گردیده است. علاوه بر آن دادستان این دادسرا و دادگاه نیز به موجب ماده ۳ و ۱۰ آیین نامه، دادستان ویژه روحانیت و حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می گردند. صلاحیت این دادگاه تا اندازه‌ای گسترش یافته که دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاههای مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد؛ مگر موارد خاصی که برحسب ضرورت رسیدگی آن « به نظر دادستان منصوب » در دادگاه ویژه اصلح باشد . در این صورت دادسراها و دادگاهها موظفند که با درخواست دادسرا و دادگاه ویژه پرونده را ارسال نمایند.[۳]

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که ایجاد تشکیلات قضایی خارج از قوه‌ی قضاییه، نه تنها برخلاف اصول حقوق عمومی از جمله اصل استقلال قضایی صورت گرفته است. نقض دیگر استقلال قضایی در دادگاه ویژه روحانیت به اصل حاکمیت قانون بازمی‌گردد. بدین نحو که احکام دادگاههای ویژه روحانیت باید مستدل و مستند به قوانین موضوعه و موازین شرع باشد. اما در موارد استثنائی وموارد که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده

---

[۱] بهمن یار، خسرو ، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیّت، قابل دسترسی در سایت:
http://www.pajoohe.com/25513/index.php?Page=definition&UID=27349

[۲] «به منظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه ، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف ، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالیه مقام معظم رهبری با وظایف وتشکیلات و اختیارات زیر ایجاد می گردد .»

[۳] ماده ١٤ آیین نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت

حاکم می تواند مستدلا براساس نظر خود اقدام به صدور حکم نماید.[۱] بدین نحو میتوان تشکیل دادگاههای ویژه روحانیت را از موارد مهم نقض استقلال قضایی در ایران دانست که تنها راه‌حل آن، تشکیلات این دادگاه ویژه میبایست به تصویب قانون رسیده و حدود اختیارات و وظایف آن دقیقا معین گشته و علاوه برآن به زیرمجموعه قوه قضاییه تبدیل گردد تا استقلال دستگاه قضایی به نحو مطلوبی تأمین گردد.

اما این مشکل محدود به کشور ایران نیست، بلکه میتوان این مسئله را در خصوص کشورهای دیگر نیز شاهد بود. در ایالات متحده‌ی امریکا، قانون اساسی این کشور در اصول مختلف به وظایف و اختیارات کنگره پرداخته، که یکی از این ختیارات تشکیل محاکم (البته به استثنای دیوان عالی کشور) می‌باشد (از جمله در نهمین بند از بخش ۸ اصل اول قانون اساسی). هم‌چنین اصل سوم قانون اساسی که به قوه‌ی قضاییه پرداخته، تشکیل دادگاه‌های تالی را برعهده‌ی کنگره، و در هر زمانی که تشخیص دهد، نهاده است. از دیگر اختیارات کنگره تعیین قضات دادگاههای ناحیه‌ای ایالات، ترکیب دیوان عالی[۲] و همچنین تعیین قضات و انتخاب رئیس این دیوان وابسته به تأیید مجلس سنا می‌باشد.[۳] به عبارت دیگر گنگره می‌تواند محاکم (به استثنای دیوان عالی کشور) را تشکیل دهد و منحل نماید؛ زیرا هر مرجعی که طبق قانون اساسی به او اختیار تشکیل محکمه اعطاء می‌شود، اختیار انحلال آن را نیز دارد. علاوه بر این، می‌تواند تعداد دادرسان مختلف را کاهش دهد و با تغییر حد نصاب صلاحیت، موجب محرومیت آنان از رسیدگی به برخی دعاوی گردد.[۴]

۱-۲- استقلال دستگاه قضایی در برابر قوه‌ی مقننه

---

[۱] ماده ٤٢ آیین نامه پیشین

[2] supreme court

[۳] عرفانی ، محمود ، حقوق تطبیقی نظام های حقوقی معاصر ، انتشارات جنگل ، چاپ سیزدهم ، ۱۳۹۰ ، صص ۲۳۰ ، ۲۳۲

[۴] امین رعیای جزه ، یاسر ، بررسی تطبیقی تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، ص ۱۵۳

تأمین استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی فقط محدود به صلاحیت عام این دستگه بر دادرسی‌های قضایی نیست، بلکه به منظور دستیابی به استقلال مطلوب قضایی می‌بایست تشکیلات این قوه مهم را از دخالت‌های دیگر قوای حکومتی تا اندازه‌ای به دور نگه داشت تا بتوان گفت از یک طرف نظارت حقوقی و قانونی بر این دستگاه صورت میگیرد و از طرف دیگر این نظارت به دخالت و نقض استقلال منتهی نمیگردد. اولین نکته که بایستی به آن توجه شود مربوط به اصل ۹۰ قانون اساسی[۱] است. آشکار است که این اصل قانون اساسی به منظور نوعی نظارت عمومی ولی با واسطه از طرف مردم است که توسط مجلس اعمال می‌گردد.[۲] بدین منظور در مجلس شورای اسلامی، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون اصل ۹۰ تشکیل گردیده تا به شکایت مردم از طرز کار قوای سه‌گانه رسیدگی کند. اما سؤالی که می-توان در زمینه مطرح نمود و به اصل استقلال قضایی مربوط میگردد اینست که آیا می‌توان از طرز کار قضات دادگاهها در مقام رسیدگی به پرونده‌ها نیز شکایت نمود؟ طبق نظریه شماره ۷/۸۱۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه‌ی قضاییه: «با توجه به اصل ۹۰ قانون اساسی که مجلس را موظف نموده در مورد شکایاتی که اشخاص نسبت به طرز کار... قوه‌ی قضاییه دارند، رسیدگی و پاسخ کتبی... بخواهد و نیز با عنایت به قانون اجازه‌ی مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی در جهت رسیدگی به شکایات مردم، ... نظر به این که قضات دادگاه‌ها از جمله مقامات قوه‌ی قضاییه هستند، لذا قانون مذکور شامل قضات دادگاه‌ها نیز در مقام رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود.» البته در این مورد که آیا در ماهیت رأی نیز می‌تواند رسیدگی نماید یاخیر تردید است. با توجه به اصل استقلال قضایی و لزوم حفظ آن، به نظر می‌رسد تفسیر مضیق به صواب

---

[۱] «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی قضاییه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

[۲] راسخ ، محمد ، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی ایران ، پیشین ، ص ۸۷

نزدیکتر بوده، اظهارنظرات ماهوی قاضی درخصوص پرونده‌های مورد رسیدگی را از موارد قابل شکایت طبق اصل ۹۰ قانون اساسی خارج بدانیم؛ ضمن آنکه وظیفه‌ی این مهم را دادگاه‌های تجدیدنظر و در سطح عالی‌تر دیوان‌عالی کشور عهده‌دار می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی از وظایف نظارتی مجلس می‌باشد که باید به نحو متعادل و در حدود قانون صورت گیرد، تا این اصل حربه‌ای برای دخالت در امور قوه‌ی قضاییه نشود و ازبین رفتن استقلال قضایی نشود.

شبیه به همین مسئله، در ایالات متحده امریکا نیز کمیته‌های تحقیقی[1] وجود دارد. به دیگر سخن، در مجلس سنا همه‌ی کمیسیون‌ها و در مجلس نمایندگان، سه کمیسیون، وظیفه‌ی بررسی و تحقیق را عهده‌دار می‌باشند و مابقی کمیسیون‌ها برای تحقیق نیاز به اجازه‌ی مخصوص پارلمان دارند . در واقع این کمیسیون‌ها به منظور بررسی در خصوص اجرای قانون تشکیل شده‌اند ، ولی می‌توانند در مورد هر مسئله‌ی دیگر، حتی اگر هیچ رابطه‌ای هم با قانون نداشته باشد، بررسی نمایند؛[2] علاوه بر آن طبق درخواست کنگره، قضات فدرال موظفند حداقل هر چهار سال یک مرتبه گزارشی مبنی بر استفاده بهینه و مطلوب از امکانات قضایی و سطح ابتکارات و کاردانی قضات به کنگره اعلام نمایند.[3]

۱-۳- استقلال مالی دستگاه قضایی

پس از بیان چالشها و مشکلات موجود بر سر راه استقلال تشکیلاتی دستگاه قضایی، شایسته است به استقلال مالی دستگاه قضایی که یکی از مهمترین شروط تأمین استقلال قضایی است پرداخته شود و میزان دخالتهای دیگر دستگاههای حکومتی در امور مالی قوه‌ی قضاییه در ایران بررسی گردد. درواقع فقدان استقلال مالی، می تواند به اساس قوه قضاییه

---

[1] Investing committee

[2] قاضی ، سید ابوالفضل ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، نشر میزان ، تهران ، زمستان ۱۳۸۳ ، چاپ ۱۱ ، ص ٤٦٢

[3] Gur،Arie، Mira، Wheeler، Russell، «Judicial Independence in the United States» , Current Issues and Relevant Background Information – At :
http://www.fjc.gov/public/pdf.nsf/lookup/JudIndep.pdf/$file/JudIndep.pdf

ضربه وارد کند. بودجه قضایی عامل اقتصادی بسیار مهمی برای تضمین یک سیستم قضایی کارآمد میباشد. به منظور تضمین منابع لازم برای سیستم قضایی و افزایش استقلال بودجه در بعضی از کشورها، قانون اساسی یک حداقل میزان از بودجه دولت را به سیستم قضایی اختصاص داده است .در حالیکه افزایش منابع بودجه به سیستم قضایی بسیاری از کشورها کمک نموده تا عملکرد کلی خود را بهبود بخشند.[۱]

در جمهوری اسلامی ایران برطبق اصول قانون اساسی، و مواد قانون محاسبات عمومی، دولت مسئول تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه مقرر می‌باشد و دولت نیز علاوه بر بودجه‌ی وزارتخانه-ها و سازمان‌های وابسته، بودجه سایر مؤسسات عمومی (از جمله قوه‌ی قضاییه) را وصول و پس از هماهنگی لازم و تصویب هیأت وزیران، به صورت لایحه تقدیم مجلس می‌نماید.[۲] در مورد تهیه و پیشنهاد بودجه‌ی قوه‌ی قضاییه بایستی گفته شود که درست است که در حقیقت رئیس قوه‌ی قضاییه[۳] بودجه‌ی پیشنهادی این قوه را به دولت ارسال می‌نماید، اما این معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی است که وظیفه هماهنگی و جمع‌بندی بودجه‌ی سالانه‌ی کشور را برعهده دارد.[۴] علی‌رغم تمامی انتقاداتی که به این موضوع وارد است، بازهم درنهایت این قوه‌ی مجریه است که در مورد نحوه‌ی تنظیم نهایی و ارقام بودجه تصمیم می-گیرد و این مسئله شدیدا استقلال مالی قوه‌ی قضاییه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که

---

[۱] بهمنی ، اسماعیل، استقلال قضایی از منظر اسناد بین‌المللی با نگاه به حقوق داخلی قسمت دوم ، ۱۳۸۷، قابل دسترسی در :http://www.politicss.blogfa.com/post ،4.aspx

[۲] هاشمی، سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد دوم حاکمیت و نهادهای سیاسی ، نشر میزان ،، چاپ 19، تهران ، زمستان1386 ، ص ۲۰۳

[۳] بر اساس بند ج از ماده اول قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۸: ماده 1 ، رئیس قوه قضائیه علاوه بر وظائف و اختیارات موضوع قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب 1371,12,9 ، دارای وظائف و اختیارات مصرح در این قانون نیز به شرح زیر می باشد: ج ، پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته آن به هیأت وزیران .

[۴] رییس جعفری ، رسول ، « خداحافظ مدیریت، خداحافظ برنامه ریزی » ، نشریه علوم انسانی « گزارش» ، مرداد ۱۳۸٦ ، شماره ۱۸۹

همواره شاهد ابراز نارضایتی از تخصیص مقدار بسیار کم از ارقام بودجه‌ی سالانه به قوه‌ی قضاییه بوده‌ایم. در سالهای اخیر، مسئولین قوهی قضاییه همواره بر کمبود بودجه‌ی دستگاه قضایی اعتراض نموده اند. [۱] علاوه بر مطالب بیان شده درباره‌ی اصول قانون اساسی و مسئله-ی عدم تأمین استقلال مالی قوهی قضاییه، زمان تصویب و بررسی نهایی قانون اساسی، مسئلهی استقلال قوه‌ی قضاییه در ارائه بودجه‌ی پیشنهادی خود به مجلس اختلاف نظراتی وجود داشت. برخی عقیده داشتند که استقلال قضایی به این نیست که بودجه‌اش را خودش بطور مستقل تهیه کند؛ بلکه استقلال به این است که مجریه بودجه‌ی کافی در اختیار قوه‌ی قضاییه قرار دهد. در مقام ایراد به این نظر بیان شد که برای پشتیبانی از عدالت لازم است که قوه‌ی قضایی در امور مالی خود استقلال داشته باشد و خود به‌صورت مستقیم و مستقل، لوایح قضایی از جمله بودجه را به مجلس تقدیم کنند .در نهایت به منظور فراهم شدن این استقلال و جلوگیری از نفوذ قوه‌ی مجریه در مسائل مالی دستگاه قضایی، اصل ١٤٤ با محتوای استقلال دادگستری در اداره‌ی امور مالی، اداری و قضایی و همچنین تقدیم لوایح مربوط به این دستگاه و ارائه بودجه‌ی آن به صورت مستقیم و مستقل بوده، که البته مورد تصویب قرار نگرفت.[۲]

در قوانین ایالات متحده‌ی امریکا نیز به منظور استقلال قوه‌ی قضاییه از قوه‌ی مجریه تمهیداتی نیز پیش‌بینی شده است. اولین موردی که می‌توان بدان اشاره نمود مربوط به اداره‌ی

---

[۱])به عنوان مثال مدیرکل بودجه‌ی قوه قضائیه در آبان ماه ۱۳۸۹ در جمع قضات دادگستری آذربایجان شرقی اظهار داشت : متاسفانه بودجه مالی قوه قضائیه کم است و استقلال این قوه را زیر سئوال برده است،[۱] و یا آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه در دیدار اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس از کمبود بودجه قوه‌ی قضاییه سخن گفت و این موضوع را موجبی برای عدم استقلال قوه قضاییه دانست.[۱] در مورد بودجه قوهی قضاییه در سال ۱۳۹۲ نیز با کاهش به گزارش رساله حقوق به نقل از فارس، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس از کاهش ٦,٧ درصدی بودجه دستگاه قضایی در این سال خبر داد که تمامی این مسائل نشان از تأثیر منفی دخالت قوه‌ی مجریه در تعیین میزان بودجه مورد نیاز دستگاه قضایی دارد که در نهایت منتهی به زیر سؤال رفتن استقلال قوه‌ی قضاییه میگردد.

[۲] رک :پنجاه و دومین جلسه بررسی نهایی قانون اساسی ص 1416 به بعد و جلسه پنجاه و هشتم ص1597

اجرایی دادگاه‌های امریکا۱ است.[۲] این اداره، توسط کنفرانس قضایی ایالات متحده [۳] اداره می‌شود. سیاست گذاری اداری دادگاه‌ها، توسط این نهاد صورت می‌گیرد. هم‌چنین میزان بودجه‌ی درخواستی خود را برآورد کرده و تقدیم اداره مدیریت و بودجه می‌نماید. بودجه‌ی درخواستی بدون هیچگونه تغییری، به کنگره ارائه می‌گردد.[۴] در این اداره، علاوه بر موارد مذکور راه‌های کاهش میزان پرونده‌های ورودی در دادگاها و هم‌چنین راهکارهای کاهش میزان جرم و جنایت نیز بررسی می‌گردد.[۵] در حقیقت، این حرکت قابل دفاع کنگره، این قوه را به‌صورت جدی از دخالت‌ها و نظارت‌های قوای دیگر مصون داشته است،[۶] و می‌توان استقلال بیش از پیش دستگاه قضایی را در ایالات متحده‌ی امریکا شاهد بود[۷]. پس از سال ۱۹۳۹ و تأمین استقلال دستگاه قضایی برای تهیه‌ی بودجه‌ی مورد نیاز خود رویه‌ای به وجود آمد که بر اساس آن، و به منظور استقلال بیشتر قوه‌ی قضاییه در تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه‌ی خود، اداره‌ای که به سازمان مدیریت و بودجه[۸] معروف است، موظف گردید بودجه‌ی پیشنهادی قوه‌ی قضاییه را به بودجه‌ای که رئیس جمهور برای دولت تهیه کرده، بدون هیچ تغییری، الحاق و به کنگره تقدیم نماید. البته عدم اجازه‌ی تغییر در بودجه‌ی پیشنهادی توسط OMB (سازمان مدیریت و بودجه) مانع از تبیین موارد درج شده در آن نیست.[۹]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

---

[1] Administrative office of the U.S courts
[2] Gur،Arie، Mira، Wheeler، Russell، «Judicial Independence in the United States ، op.cit
[3] Judicial conference of U.S
[۴] امیری ، محسن ، مطالعه‌ی تطبیقی سازوکارهای تضمین استقلال قاضی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده ، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۹ ، ص ۱۰۶
[5] F. Hogan، Thomas ، «Interview: AO Director Discusses Challenges Facing Judiciary» ، June 07, 2012) – At :
http://news.uscourts.gov/interview،ao،director،discusses،challenges،facing،judiciary
[6] Baar, Carl , National Center for State Courts، Separate but Subservient: Court Budgeting in the American States (Lexington Books) ، 1975
[7] Gur،Arie، Mira، Wheeler، Russell، «Judicial Independence in the United States» , op.cit
[8] Office of Management and Budget (OMB)
[9] Baar, Carl ، op.cit

بدین ترتیب، در قوانین ایران برخلاف امریکا، قوه‌ی مجریه در تعیین میزان بودجه قوه‌ی قضاییه دخالت زیادی داشته و همین امر موجبات کمرنگتر شدن استقلال قضایی را فراهم مینماید. از طرف دیگر، استقلال کامل در این امر شاید باعث عدم هماهنگی در بودجه کل کشور را فراهم نماید، بنابراین راه حل منطقی این معضل شاید همانند امریکا باشد، یعنی به دستگاه قضایی اجازه تعیین میزان بودجه خود را تا اندازه‌ای داد تا بتواند نیازهای دستگاه قضایی را بهتر تأمین نماید. یکی از دلایل این مطلب درآمدزا بودن دستگاه قضایی است؛ بدین صورت که افراد به منظور تظلم خواهی و ارائه شکایت به دادگاهها هزینه دارسی را به صورت الصاق تمبر پرداخت نموده و علاوه بر این جزاهای نقدی که توسط قانون تعیین گردیده، خود گواهی بر نیاز اختصاص بودجه بیشتر به این دستگاه میباشد. علاوه بر این، قوه‌ی مقننه نیز بودجه خود را تعیین و بررسی نموده و به بودجه کل ملحق مینماید. بنابراین خیلی دور از ذهن و غیر منطقی نخواهد بود اگر به قوه‌ی قضاییه نیز این اختیار البته به شکل محدودتری واگذار گردد.

۲- استقلال قاضی

استقلال و بیطرفی قاضی شاید در اولین نگاه دارای معانی مشترکی باشند، اما بطور دقیق-تر با یکدیگر تفاوتهای آشکاری دارند. استقلال قاضی یعنی اینکه قضات در تصمیم‌گیری بایستی از تبعیت هر کس، بجز قانون و وجدان خود و انصاف، آزاد باشند، و بدون ترس از هیچ عاملی اعم از فشار افکار عمومی، فشار مقامات سیاسی و منافع حزبی، قانون را عادلانه اعمال، و تنها بر اساس واقعیات پرونده اتخاذ تصمیم نماید.[1] از سوی دیگر، بی‌طرفی قاضی، کاملاً منطبق بر استقلال او نیست. در حقیقت بیطرفی به معنای نبود تمایل در قلب و روان

[1] Debeljak Julie, «Judicial Independence in the Modern Democratic State», Australian, Reform Issue 74 , Autumn 1999, pp. 35-39 at: www. austlii. edu. au/cgi-

دادرس به سوی یکی از طرف های دعوی یا موضوع اختلاف می‌باشد.[۱] در حقیقت استقلال قاضی را میتوان یکی از مهمترین شروط تأمین استقلال قضایی دانست. به تعبیر دیگر تا زمانی که قضات از استقلال کافی برخوردار نباشند، نمیتوان دستگاه قضایی مستقلی را شاهد بود، حتی اگر تشکیلات قوه قضاییه از استقلال مطلوبی برخوردار باشد. اما سوال اصلی و مهم که در این وهله باید به آن پاسخ گفت اینست که چگونه میتوان قضات مستقلی داشت؟ به بیان دیگر برای اینکه یک قاضی بتواند به صورت مستقل عمل نماید میبایست چه تدابیری را در قوانین اندیشید؟ و در نهایت آیا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران میتوان شاهد قوانینی بود که این ستقلال را به نحو مطلوب تأمین نماید؟ چه کاستی‌هایی در این خصوص وجود دارد و در نهایت راه حل چیست؟ به منظور پاسخ گفتن به پرسشهای فوق باید در مرحله‌ی اول شروطی را که برای استقلال قاضی لازم است را شناسایی نمود و سپس بررسی کرد که آیا این شرایط در خصوص قضات ایران رعایت میگردد یا خیر. درحقیقت استقلال قاضی نیز همانند استقلال سازمانی و مالی، مطلق و بدون هیچ قید و نظارتی نیست، بلکه منظور از آن، استقلال در برابر نفوذ و دخالت‌های ناروا و انتقادها و اعمال نفوذهای مخرب است؛ زیرا آرای قضایی از تجدیدنظر مصون نیستند و هم‌چنین، در نهایت قاضی بایستی بر اساس مسائل مطرح شده در جلسه دادگاه تصمیم بگیرد.[۲] می‌توان گفت یکی از موضوعاتی که استقلال شخص قاضی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، رابطه‌ی قاضی با مقامات مافوق و یا به عبارت دیگر کارفرمایان قضایی[۳] (اعم از رئیس دادگستری محل خدمت، دادگاه‌های بالاتر، و یا سایر مقامات مافوق قضایی) است. این روابط بسیار حساس و برای استقلال قاضی تهدید جدی محسوب می‌گردند. به همین جهت، لازم است در این‌خصوص

---

[1] Donahey, M. Scott , «The Uniform Domain Name Dispute Resolution Process and the Appearance of Partiality: Panelist Impaled on the Horn of Dilemma» , Paper Journal of International Arbitration ,Volume 19 (2002) , p.35

[2] K. Warren Roger, «The Importance of Judicial Independence and Accountability»at: www.ncsconline.org/WC/Publications/KIS_JudIndSpeechSc ript.pdf

[3] Dung Luu, Tien , «Judicial Independence in Transitional Countries», United Nations Development Programme – Oslo Governance Centre, January 2003.

قوانینی تصویب شود تا قضات را از هرگونه مداخله و اعمال نفوذ از سوی سایر مقامات قضایی مصون باشند.[۱] عواملی که استقلال قاضی را در ایران تحت تأثیر قرار میدهند عبارتند از:

۲-۱- نحوه‌ی گزینش قضات

شیوه‌ی گزینش قضات از آنجایی‌که می‌تواند استقلال قاضی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد، بسیار مهم است. اصل ۱۰ از اصول اساسی استقلال قضایی مقرر می‌دارد: « ...روش‌های گزینش قضات باید در برابر انتصابات قضایی برای انگیزه‌های نامناسب حفظ شود. در گزینش قضات نباید هیچ تبعیضی علیه یک شخص بر اساس نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت یا وضعیت اجتماعی وجود داشته باشد. مقرره‌ای که بر اساس آن داوطلب شغل قضا باید تبعه‌ی کشور مربوطه باشد، تبعیض آمیز محسوب نمی‌شود.»[۲] به همین دلیل است که جهت‌دار کردن نظام آموزش قضایی و همچنین استخدام قضات همراه با اخذ مجموعه‌ای از تعهدات سیاسی و ایدئولوژیک، که از موثرترین راه‌های ترویج و تحکیم جریانات فکری و سیاسی خاص در دستگاه قضائی محسوب می‌گردد، از شیوه‌های سلب استقلال قضات می‌باشد. از طرف دیگر انتخاب قضات شایسته و دارای بهترین و شایسته‌ترین خصایص و اخلاقیات، دارای اعتماد به نفس بالا و پایبند به اعتقادات و اصول اخلاقی بسیار مهم و مورد توجه در تمامی کشورها و سیستم‌های حقوقی است.

قوانین جمهوری اسلامی ایران، به موجب بند سوم از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها را از وظایف رئیس قوه‌ی قضاییه دانسته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۱۶۳ مقرر می‌دارد: « صفات و شرایط قاضی،

---

[۱] حبیب‌زاده ، محمدجعفر ، کرامت ، قاسم ، شهبازی‌نیا ، مرتضی ، « استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی» ، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی ، زمستان ۸۹ – شماره ٤ ، صص ۲۷ – ۲۸

[2] Basic Principles of The Independence of The Judiciary

طبق موازین فقهی به وسیله‌ی قانون مشخص می‌شود».[۱] طبق " قانون شرایط انتخاب قضات " مصوب ۱۳٦۱، شرایط ذیل برای قاضی لازم دانسته شده است: ۱) مرد بودن. ۲) ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳) طهارت مولد . ٤) تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت. ۵) صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر. ٦) دارابودن اجتهاد یا اجازه‌ی قضا به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته‌ی فقه و حقوق یا لیسانس دانشکده‌ی علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه‌ی عالی قضایی قم هستند و یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه‌ی مدرسین دیده باشند.[۲] از میان شرایط مذکور، سه مورد اول طبق موازین بین المللی و حقوق بشری (از جمله ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۱۰ از اصول اساسی استقلال قضایی) خلاف قواعد حقوق بشری و مخالف با اصل منع تبعیض می‌باشند.[۳] البته در خصوص اولین شرط از شرایط انتخاب قضات، می‌توان گفت با تصویب ماده واحده‌ی قانون اصلاحی ۱۳۷٤/۱/۲۹ که تبصره‌ی قانون شرایط انتخاب قضات را اصلاح نموده است، این تبعیض در قانون تا اندازه‌ای مرتفع گردیده است؛[۴] اما هم‌چنان تبعیض جنسیتی میان زنان و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[۱] ابوالحمد ، عبدالحمید ، « قدرت عمومی و مستخدم دولت » ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی(دانشگاه تهران) ، بهار ۱۳۵۰ ، شماره ۵ ، ص ۱۴

[۲] مهرپور ، حسین ، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، نشر دادگستر ، چاپ سوم ، تابستان۱۳۹۱، صص ۳۵۸-۳۵۹

[۳] رحمتی فر ، سمانه ، به زمامداری و دستگاه قضایی ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۰۲

[۴] «رئیس قوه‌ی قضاییه می‌تواند بانوانی را هم که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳٦۱/۲/۱٤ می‌باشند با پایه‌ی قضایی جهت تصدی پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص ، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره‌ی سرپرستی صغار و مستشاری اداره‌ی حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام نمایند.»

مردان در خصوص مابقی مناصب قضایی باقیست که این موضوع برخلاف اصل برابری زنان و مردان درمقابل قانون و هم‌چنین در تصدی مناصب دولتی است.

برای استخدام قضات، مراحلی را باید طی نمود که عبارتند از آزمون ورودی، مصاحبه، گزینش، دوره‌ی آزمایشی. به موجب ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون گزینش و استخدام قضات، داوطلبان امر قضاء پس از قبولی در آزمون و احراز صلاحیت علمی، نسبت به تعیین صلاحیت آنان از طریق مصاحبه و گزینش توسط اداره‌ی گزینش و استخدام قضات، اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد. پس از طی تمامی این مراحل، قضات یک دوره‌ی آزمایشی سه ساله را طی می‌کنند و پس از آن و در صورت تأیید صلاحیت نهایی توسط نهادهای مذکور در قوانین استخدامی قضات، به صورت رسمی استخدام می‌گردند.[۱] بدیهی است گذراندن دوره‌ی آزمایشی توسط قضاتی که از تمامی مراحل گزینش با موفقیت عبور کرده‌اند، نتیجه‌ای جز خدشه‌دار شدن استقلال آنان را در پی نخواهد داشت، زیرا قضاتی که امر به قضاوت مشغولند، می‌بایست استقلالشان به نحو کامل و مطلوبی تأمین گردد. ولی وجود این دوره و استعلام از ادارات و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و یا مقاماتی هم‌چون ریاست دادگستری استان محل خدمت قاضی، همگی نقض آشکار این امر است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ارزیابی آراء و تصمیمات مکتوب قاضی از سوی نهادی قضایی و بی‌طرف مرجع مناسب تری برای نظارت بر وی باشد تا واگذاری آن به سلیقه شخصی افراد و نهادهای دیگر. در ایالات متحده‌ی امریکا نیز، نحوه‌ی گزینش قضات در اصل دوم قانون اساسی آن کشور قید شده است؛ بدین‌صورت که رئیس‌جمهور اختیار پیشنهاد قضات دادگاه‌های فدرال را دارد و پس از آن، قضات دادگاه‌های فدرال با رضایت مجلس سنا تعیین می‌گردند[۲]. بر اساس اصل سوم، قضات فدرال برای تمام عمر منصوب می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را از برکنار کرد، مگر

---

[۱] سهرابی چهرازی ، مریم ، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان، پیشین ، ص ۸۵

[2] Impeachment

از طریق آیین اعلام اتهام علیه مقامات دولتی توسط کنگره.[۱] از منظر قانونی، انتخاب قضات بر عهده‌ی دو نهاد است: رئیس جمهور که قضات را پیشنهاد می‌کند و مجلس سنا که آن‌ها را از میان قضات پیشنهادی انتخاب می‌نماید؛ علاوه بر آن، بدلیل آنکه انتخاب قضات فدرال عرفا و عملا از میان قضات محلی انتخاب می‌گردند، سناتورها نیز در تعیین ابتدایی نامزدها توسط رئیس جمهور ایفای نقش می‌نمایند.[۲] رئیس جمهور نیز در ایفای این وظیفه‌اش به گروهی که او را در انتخاب نامزدها یاری می‌دهند متکی است که اعضای این گروه، اغلب در اداره‌ی رایزنی کاخ سفید و یا در دپارتمان دادگستری مشغول بکارند. اعضای حقوقدان این گروه، نامزدها را می‌سنجند، اما اسامی آن‌ها را در لیست مکتوب و روشنی ثبت نمی‌کنند.[۳] در خصوص نحوه‌ی انتخاب قضات فدرال می‌توان گفت، اولویت مهمی که رئیس‌جمهور مدنظر دارد آن است که نامزدهای مزبور از حزب سیاسی وی باشند. بدین ترتیب رئیس‌جمهور با انتخاب قضاتی که با نگرش سیاسی وی موافق باشند، می‌تواند قوه‌ی قضاییه را با خود همسو و سیاست‌های خود را محقق سازد.[۴] رئیس‌جمهور اغلب برای پرکردن مناصب خالی قضایی، توصیه‌هایی را از رهبران گروه سیاسی خود دریافت می‌دارد. نزدیک به ۹۰٪ قضاتی که توسط رئیس‌جمهور برای مناصب خالی قضایی انتخاب و معرفی می‌شوند، از اعضای حزب سیاسی رئیس‌جمهور هستند. این فرصتی است برای رئیس‌جمهور تا با انتخاب قضاتی که منعکس کننده‌ی دیدگاه‌های وی می‌باشند، بر رویکر قوه‌ی قضاییه تأثیر بگذارد.[۵]

---

[1] «Federal Judicial Selection » – AJS (American Judicature Society , promoting the effective administration of justice). At:
http://www.judicialselection.com/judicial_selection/index.cfm?state=FD , 25 May 2013

[2] Brand , Rachel - « A Pract ical Look at Federal Judicial Select ion » – Winter 2010 – p. 82– At:
http://www.wilmerhale.com/uploadedFiles/WilmerHale_Shared_Content/Files/Editorial/Publication/Rachel%20Brand.pdf - May 25 . 2013, p.83

[3] Ibid

[۴] امیری ، محسن ، مطالعه‌ی تطبیقی سازوکارهای تضمین استقلال قاضی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده ، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۹ ، ص ۸۰

[5] Wheeler , R, « Judicial Independence In United States : current issues and relevant background » , Colombia Law Review , vol.34 , no.5 , (2005) , p.146

۲-۲- استقلال در برابر مقامات و نهادهای سیاسی

برای داشتن قضات مستقل، همانطور که قبلا نیز بیان شد، شرایطی لازم است؛ یکی از این شرایط مستقل بودن قاضی در برابر هر فردی است، خواه این افراد از مقامات قوه‌ی قضاییه باشند و یا از مقامات قوای دیگر باشد. در حقیقت اهمیت استقلال در تصمیم‌گیری و صدور رأی برای قضات به قدری است که برخی استقلال قضایی را مترادف با آزادی قاضی برای اعمال قانون در دعاوی که نزد ایشان مطرح می‌گردد، دانسته‌اند.[۱] این آزادی نه به معنای اعمال سلیقه ای قانون، بلکه به منزله‌ی دیوار محکمی است که از نفوذ و تأثیر ناروای مقامات قضایی در تصمیم دادرسان جلوگیری کرده و تنها قانون را حاکم بر دعوی می‌داند.[۲] استقلال قاضی فقط در برابر منصوب کنندگان نیست، بلکه شامل هر فرد داخل و یا خارج از قوه‌ی قضاییه نیز می‌شود؛ البته این موضوع به معنی نادیده گرفتن اصول تجدیدنظر و رویه‌ی قضایی نیست.[۳] در این میان مقامات و نهادهای قضایی بیش‌تر از اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر می‌توانند این قسم از استقلال قاضی را خدشه‌دار نمایند. اما پرسش که مطرح است اینست که مقامات و نهادهای دیگر به چه صورت و تا چه اندازه‌ای میتوانند بر استقلال قضات تأثیر بگذارند؟ و از طرف دیگر از چه راههایی میتوان این دخالتها و نفوذ را به حداقل رساند به نحوی که بتوان استقلال مطلوب را برای قضات شاهد بود؟ و در نهایت این پرسش را میتوان در خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح نمود که آیا استقلال قضات از این حیث در ایران تأمین میگردد یا خیر؟

---

[1] Berlin, Isaiah , «Liberty : Incorporating Four Essays on Liberty» , New York : Oxford University Press , (2002) , p. 169

[2] Klerman, Daniel M. & Paul G. Mahoney ,«The Value of Judicial Independence: Evidence from Eighteenth Century England », American Law and Economics Review, vol. 7 no. 1 , (2005) , p. 2-3

[3] Gillespie, Alisdair ,« Judges and Judicial Independence» , Oxford University Press , 2007/12/1 , At: www.oup.com/uk/orc/bin/9780199281343/gillespie ch06.pdf

دخالت و نفوذ دیگر مقامات بر قضات در روند دادرسی به ندرت مستقیما بر تصمیمات قضایی تأثیر می‌گذارند؛ اما بصورت غیرمستقیم از طریق وابسته بودن ترفیعات و یا نقل و انتقالات قضات به تصمیمات مقامات تأثیرگذار است. بنابراین، به منظور بی اثر نمودن این عوامل بر استقلال قضات، مسئله‌ی منع تغییر و نقل و انتقال قضات بدون رضایت ایشان مطرح گشت؛ بدین معنا که هیچ یک از قضات را نمی‌توان بی میل و خواسته ایشان از جایی به جای دیگر منتقل کرد و محل خدمت آن‌ها را تغییر داد و یا سمت قضایی آنها را به سمت اداری تبدیل نمود؛ حتی بدون درخواست خود قاضی نمی‌توان رتبه و یا گروه شغلی آن‌را تغییر و یا ترفیع داد. درواقع بر اساس اصل سیزدهم از اصول استقلال قضایی: ارتقاء قضات بایستی بر عوامل عینی، بویژه شایستگی، درستی و تجربه آنان باشد.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ١٦٤ قانون اساسی، محل خدمت یا سمت قاضی را بدون رضایتش، نمیتوان تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه‌ی قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان‌عالی کشور و دادستان کل. درحقیقت این استثناء، استقلال اولیه‌ی قاضی را به خطر انداخته است. بنابراین غیرممکن نخواهد بود اگر قاضی در مقام رسیدگی به یک مورد برخلاف نظر رئیس دستگاه قضایی عمل نماید و همین امر موجب گردد با استفاده از قسمت اخیر اصل ١٦٤ موجبات انتقال و در نتیجه عدم امکان رسیدگی و صدور حکم نسبت به پرونده‌ی مورد نظر فراهم گردد[1] و یا حداقل تنبیهی در جهت عدم اطاعت از نظر و خواست مقامات قضایی باشد. البته ناگفته نماند که برخی از حقوقدانان، عدم نقل و انتقال قضات به صورت مطلق حتی مغایر با مصالح عمومی دادگستری دانسته‌اند. گاهی قضات علاقه‌ی مخصوص به ماندن در یک محل را دارند و غالبا از طول مدت خدمت در محلی خاص، مفاسدی حاصل می‌گردد که با طبع کار قضایی سازگار نبوده و ممکن است منفعت عمومی را به خطر بیاندازد.[2]

---

[1] نطنزی ، محمود ، بررسی حدود اختیارات و عملکرد ریاست قوه‌ی قضاییه در جمهوری اسلامی ایران ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران ، پردیس قم ، ص ۲۸۲

[2] مدنی ، جلال‌الدین ، آیین دادرسی مدنی ، جلد اول ، انتشارات دانشگاه ملی ایران ، بی‌تا ، ص ۱۳۰

در ایالات متحده‌ی امریکا نیز، بند ۲ از قسمت دوم قانون اساسی آن کشور مقرر می‌دارد: قضات محاکم تالی پس از نصب در جایگاه خود، برای ارتقاء به مقامات بالاتر، مجددا نیازمند معرفی از سوی رئیس جمهور و تأیید مجلس سنا هستند. در این میان رضایت سناتورها برای ارتقاء قضات ناحیه‌ای به سطح استیناف، و هم‌چنین ارتقاء قضات استیناف به سطح دیوان عالی، شرط است. بدین صورت‌که در هنگام پیشنهاد نامزدهای قضایی برای مناصب قضایی بالاتر، سابقه‌ی قضایی نامزدها و آرایی که صادر کرده‌اند مورد مطالعه و ارزیابی دادستانی آمریکا، FBI و مشاوران کاخ سفید و سایر نهادهای وابسته به ریاست جمهوری و سناتورها قرار می‌گیرد، که آرای مزبور در مغایرت فاحش با سیاست‌های رئیس‌جمهور و سنا نبوده و از نظر سیاسی و اجتماعی جدل آمیز و مناقشه برانگیز نباشد.[1] در این خصوص قاضی بریر می‌گوید: « همه‌ی قضات خواهان ارتقاء هستند و اگر بخواهیم بدانیم که بیشترین تهدید علیه استقلال قاضی کدام است، لازم است بدانیم که قضات برای ارتقاء خود به اراده‌ی رئیس‌جمهور و کنگره وابسته‌اند.» نمونه‌ی این وضعیت در سال ۱۹۸۷در انتخاب رابرت بورک توسط رئیس جمهور رونالد ویلسون ریگان قابل مشاهده است که مجلس سنا با جهت‌گیری سیاسی، وی را تأیید ننمود.[2]

۲-۳- استقلال در برابر افکار عمومی و رسانه‌ها

استقلال قضات بایستی به اندازه‌ای باشد که در برابر هر مسئله‌ای که مخالف قوانین و مقررات و هم‌چنین انصاف و عدالت است، حتی اگر از سوی افکار عمومی نیز باشد، مقاومت نموده و از مسیر خود خارج نگردد.[3] با تأمین این نوع استقلال، آزادی دادرس از

[1] Klerman , D ,« Nonpromotion and Judicial Independence» . 72 U.S cal.rev , .(1999) , pp. 455-456

[2] George, E. Tracy,« Judicial Independence and the Ambiguity of Article III Protection » , OHIO State Law Journal , vol.64 , (2003) , pp.5-6

[3] Ramseyer, J. Mark & Eric B. Rasmusen , « Judicial Independence in Civil Law Regime: The Evidence from Japan », Journal of Law, Economic and Organization, v. 13 n. 2, 259-286, (1997), p. 262

فشارهای بیرونی نیز مهیا می‌گردد؛ یعنی منبع التزام دادرس در رسیدگی‌هایش، تنها قانون است.[۱] بر اساس اصل اول از اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی، « قاضی باید... از تأثیرات، عوامل، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیر مستقیم بیرونی، از هر منبع یا به هر دلیلی که هستند، فارغ و رها باشد. هم‌چنین قاضی باید در رابطه با جامعه به طور کلی و در رابطه با طرفین خاص درگیر در منازعه‌ای که بدان رسیدگی می‌کند، استقلال داشته باشد.» بدیهی است این استقلال شامل همه‌ی گروه‌ها و افراد جامعه می‌باشد که در حقیقت رسانه‌ها و افکار عمومی در صدر آن قرار می‌گیرند. درواقع افکار عمومی تا زمانی که به شکل و قالب قانون در نیامده‌اند، نباید در سرنوشت رای اثر گذارد. می‌توان گفت افکار عمومی زمانی علیه استقلال قاضی تهدید به شمار می‌آیند که قاضی را وادار کنند به فراتر از تفسیر مقررات بیندیشد، مقررات را نادیده انگارد و آزادی تصمیم‌گیری‌اش به محدودیت در آن تبدیل شود.[۲] فرد بی گناهی را به لحاظ تسکین افکار عمومی بازداشت کردن و یا محکوم نمودن و یا بالعکس، مطلوب دادرسی‌های قضائی نیست. هم‌چنین گاهی ممکن است افکار عمومی توقع صدور فوری رأی را داشته باشد و یا رسانه‌ها برای صدور هر چه زودتر حکم محکومیت شخص یا نهاد و یا حتی مقامی را داشته باشد و این امر موجب گردد قاضی دقت لازم برای بررسی موضوع و یا استقلال در صدور رأی و نظر خود را از دست بدهد.[۳] آنچه افکار عمومی را به ابزار نیرومند تغییرات سیاسی بدل می کند دو پدیده است: ۱) مؤسسات آمارگیری ۲) رسانه های گروهی.[۴] درحقیقت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به دلیل برخورداری از طیف وسیعی از مخاطبین می‌توانند نقش مهم و چشمگیری در کنترل اجتماعی

---

[1] Barak, Aharon , « the Judge in a Democracy, Princeton: Princeton University Press », (2006), p.78

[2] Stevens, Robert , «A Loss of Innocence? Judicial Independence and separation of Powers », Oxford Journal of Legal Studies, vol. 19, 365-402 , (1999), p. 376

[۳] متین دفتری، احمد ، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی ، جلد دوم ، حکم و طرق شکایت از حکم ، تهران 1334، ص ۸٤

[۴] پژمان صور ، علی ، «سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا» ، قابل دسترسی در : http://sour.ir/post/38

ایفا کنند.[۱] تأثیرات افکار عمومی و رسانه‌ها گاها از طرق قانونی و از طریق اعمال نفوذ بر هیأت منصفه نیز ممکن است صورت گیرد، اما از آنجایی که روشی دشوار و پرهزینه است کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.[۲]

اما پرسشی که در این بخش مطرح است اینست که آیا بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، این استقلال تأمین گردیده و یا در ایران مشابه بسیاری دیگر از کشورها، افکار عمومی بر روند دادرسی تأثیر گذاشته و به نوعی استقلال قاضی را تحت شعاع قرار میدهد؟

به منظور پاسخگویی به پرسش فوق میبایست عواملی که به عنوان افکار عمومی بر روند دادرسی تأثیرگذارند را بررسی نموده و سپس تأثیر آنها را در دستگاه قضایی ایران جستجو کرد. درواقع یکی از تأثیراتی که افکار عمومی ممکن است بر رسیدگی‌های قضایی داشته باشد حضور هیأت منصفه[۳] در برخی دادرسی‌ها می‌باشد. هیأت منصفه مجموعه افرادی است که با داشتن شرایط اخلاقی و توانایی‌های خاص، به عنوان نماینده‌ی افکار عمومی و در برخی پرونده‌های کیفری خاص و همکاری با قضات حرفه‌ای در امر قضاوت دعوت می-شوند.[٤] برخی معتقدند حضور هیأت منصفه به معنای دخالت افکار عمومی و رأی و نظر مردم در مورد آن دسته از دعاوی که این شرط برای آنها لازم دانسته شده است، می‌باشد و آن را مانعی در برابر استقلال قاضی در برابر افکار و نظر عموم مردم دانسته‌اند و مفاسدی چون صدور آراء غیر عادلانه و تحت تأثیر قرار گرفتن قاضی را برای آن برشمرده‌اند[۵] از طرف دیگر، به اعتقاد برخی حقوق‌دانان از جمله منتسکیو، وجود هیأت منصفه خود تضمینی

---

[۱] رشوند بوکانی، مهدی ، استقلال قاضی و قوه‌ی قضاییه در حقوق ایران، امریکا و فرانسه ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، چاپ اول ، تهران ، پاییز ۱۳۸۸، ص ۵۸

[2] Ferejohn , John - « Dynamics of Judicial Independence: Independent Judges, Dependent Judiciary » , op.cit

[3] jury

[۴] هاشمی ، سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، پیشین ، ص ٤٥٧

[۵] پیوندی، غلامرضا، بررسی فقهی جرم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید ، ص ۲۰٦ – زراعت ، عباس ، جرم سیاسی ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، تهران ۱۳۷۷ ص ۷۹ – علی آبادی ، عبدالحسین ، حقوق جنایی ، جلد سوم ، انتشارات فردوسی ، تهران ۱۳۷۳ ، ص ۱٥٤

است برای حفظ استقلال قاضی. درجامعه‌ای که مردم، خودشان در روند رسیدگی دادگاه‌ها نقش اساسی بازی می‌کنند، دست نهادهای سیاسی و سودجو کوتاه خواهد بود.[1] اما فارغ از هدف اصلی قانونگذار برای حضور این هیأت در برخی دعاوی، می‌توان این حضور را به معنای اهمیت افکار عمومی و نحوه‌ی قضاوت ایشان دانست که همواره مفید نخواهد بود. این حضور در قوانین ایران به موجب اصل یکصدو شصت و هشتم به جرایم سیاسی و مطبوعاتی محدود گشته است. به نظر می‌رسد خواست تدوین کنندگان قانون اساسی دخالت فکار عمومی و رأی و نظر مردم در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی بوده است که هر دو شرط علنی بودن و حضور هیأت منصفه را برای رسیدگی به این جرایم لازم دانسته است. اما مسئله‌ای که در این بین مطرح است و حضور هیأت منصفه و دخالت افکار عمومی را در موردی که لازم و مورد نیاز است تأمین نمی‌نماید، نبودن تعریف مشخصی از جرم سیاسی در قوانین جمهوری اسلامی ایران است. در قوانین ایالات متحده‌ی امریکا، در بخش دوم از اصل سوم قانون اساسی حضور هیأت منصفه در رسیدگی به کلیه جرائم به جز موارد «اعلام جرم علیه مقامات دولتی» لازم دانسته شده است. در خصوص دعاوی حقوق نیز اصلاحیه‌ی هفتم گفته : «در دعاوی حقوق نانوشته، هنگامی که ارزش مسأله مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق رسیدگی هیأت منصفه محفوظ خواهد بود و هر جرمی که هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار دهد، در هیچ دادگاه دیگری در ایالات متحده به گونه دیگری دوباره مورد رسیدگی قرار نخواهد گرفت مگر براساس قواعد حقوق نانوشته».[2]

۲-٤- تمکن مالی قضات

آنچه بیشتر از بقیه‌ی موارد ذکر شده بر استقلال قاضی مؤثر است، بحث پرداخت حقوق کافی و مناسب شأن قضاوت به قضات دادگستری است تا بدور از هرگونه دغدغه و نگرانی

[1] Ferejohn , John - « Dynamics of Judicial Independence » , op.cit
[2] Graham , Fred , « American Juries », U.S. Department Of State , JUly 2009 , VOlUME 14 , NUMBER 7 , At: http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html

مالی برای امور معیشت، به قضاوتی مبتنی بر عدالت بپردازند. علاوه بر این استقلال در پرداخت این حقوق از سوی دستگاه قضایی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بدین‌صورت که اگر تعیین میزان حقوق و پرداخت آن به صلاحدید مقامات حکومت وابسته و همواره در معرض تغییر و کاهش باشد، قضات فاقد استقلال لازم خواهند بود، و شاید تبدیل به حربه‌ای در دست قوای دیگر به منظور رسیدن به خواسته‌های خود گردد.[۱] از دیگر عواقب عدم توجه به تمکن مالی قضات، اقدام آن‌ها به تصدی شغل دوم می‌باشد. درحقیقت قضات بایستی از نظر مالی آنقدر تأمین گردند که به داشتن شغل دیگر برای اداره‌ی امور زندگی متوسل نشوند. زیرا اشتغال به شغل دوم، علقه‌هایی ایجاد می‌کند که باعث خروج قاضی از بی‌طرفی و ورود آسیب به استقلال او می‌گردد.[۲]

در ایران، قضات کارمندان دولت محسوب شده و در استخدام دولتند؛ اما با آن‌ها از نظر دستمزد، همانند اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، با دیگر مستخدمین دولت برخورد متفاوتی می‌شود. به‌طوری‌که حقوق این افراد در سطح بیشتری از سایر کارمندان دولت و هم‌چنین کارکنان قوه‌ی قضاییه است. این تفاوت دریافتی در گذشته بسیار کمتر بوده، که البته در سال-های اخیر سعی شده میزان پرداخت حقوق قضات را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند. در قانون مقررات بازنشستگی مصوب ۱۳۷٤، مقرر شده است که در خصوص حقوق و بازنشستگی قضات برخلاف سایر کارمندان، که متوسط حقوق دوسال آخر آن‌ها مبنای محاسبه قرار می‌گیرد؛ در خصوص قضات، حقوق آخرشان ملاک قرار گیرد؛ نهایتا در سال ۱۳۸٤ حقوق قضات به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته؛ که البته فاصله‌ی زیادی با حقوق ایده‌آل دارد.[۳]

---

[1] « Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts» ، American Bar Association ، August 2007 ، 110D. At :
www.abanet.org/leadership/2007/annual/docs/hunderdtend.doc

[۲] حبیب زاده ، جعفر ، کرامت ، قاسم ، شهبازی نیا ، مرتضی ، «استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی »، پیشین

[۳] سهرابی چهرازی ، مریم ، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان، پیشین، ص۱۱۰

در قانون اساسی ایالات متحده، کنگره حق کاهش حقوق قضات را ندارد. حقیقتا این موضوع نیز، در طول تاریخ امریکا، قضات را به شدت درمقابل انحراف از تصمیمات درست و عادلانه محافظت نموده است. دلیل اصلی آوردن این جمله در قانون اساسی امریکا – که در حقیقت طبق نظر مادیسون بوده – اینست که این اصل به دادگاه‌ها قدرت می‌دهد تا هرگونه اقدام و حرکت برای تصویب قانون از جانب کنگره که موجب کاهش حقوق قضات در طول زندگیشان گردد را بتوانند به این دلیل که خلاف قانون اساسی است، باطل نمایند. اما یک مسئله‌ی مهمی که وجود دارد اینست که اگر کنگره مزایای پرداختی به قضات و یا دوره-های افزایش حقوق بر اساس نرخ تورم را کاهش دهد آیا می‌توان این‌ها را نیز نقض اصل قانون اساسی دانست و اجرایشان نکرد؟ به نظر می‌رسد نمی‌توان این مورد را از مواردی دانست که به علت نقض قانون اساسی توسط دادگاه‌ها بر اساس قاعده‌ی تجدیدنظر قضایی[۱] باطل اعلام گردند.[۲] این مورد را می‌توان از راهکارهای تأثیر بر میزان حقوق قضات دانست که استقلال آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.[۳]

۳- بی‌طرفی قاضی

مسئله‌ی رعایت بی‌طرفی قاضی در قوانین بسیاری از کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. به همین دلیل است که هریک از قضات درابتدا و قبل از شروع کار خود سوگند یاد می‌کند که با درستکاری و بی‌طرفی کامل در مورد دعاوی مطرح شده نزد او به قضاوت بنشیند؛ علاوه براین، از عبارت دادرسی منصفانه در اصلاحیه‌ی چهاردهم قانون اساسی

---

[1] judicial review

[2] Lecce ، Gail ، «Guidance for Promoting Judicial Independence and Impartiality». Revised Edition) and document identification number

۳ میزان حقوق قضات در سطوح مختلف در کشور امریکا از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۲ به شرح ذیل میباشد که در سال ۲۰۱۳ افزایش اندکی داشته: قاضی حق: $۱۸٤،۵۰۰؛ قاضی ناحیه: $۱۷٤،۰۰۰؛ قاضی انصاف: $۲۱۳،۹۰۰؛ رئیس دیوان عالی: $۲۲۳،۵۰۰ برگرفته از : Judicial Salaries Since 1968 – published at: http ://www.uscourts.gov/Viewer.aspx?doc= /uscourts/JudgesJudgeships/docs/ JudicialSalarieschart .pdf

امریکا، می‌توان داشتن حق دسترسی به دادرس بی‌طرف و مستقل را استنباط نمود.[۱] بنابراین زمانی‌که بی‌طرفی یک قاضی زیر سؤال است، می‌توان بهترین جبران خسارت را جلوگیری از ادامه رسیدگی توسط قاضی ذی‌نفع دانست. قاعده‌ی سلب صلاحیت دادرسان در مواردی که بی‌طرفی آن‌ها زیر سؤال است هم از نظر اصول اخلاقی و هم از نظر رویه‌ی قضایی مورد پذیرش است. بعد اخلاقی آن در سومین قاعده‌ی کد رفتاری قضات ایالات متحده‌ی امریکا ذکر گردیده است.[۲] در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز بی‌طرفی قاضی همواره مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تصریح دارد: « دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی‌طرفی تحقیقات را انجام داده...»[۳] در ادامه به چهار مسئله‌ای که در بی‌طرفی قاضی مؤثر بوده و به نوعی استقلال قضایی در ایران را به چالش کشیده است را بررسی نموده و سپس راهکارهای تأمین آنها بیان خواهد گردید.

۳-۱- عدم دخالت قاضی در سیاست

علاوه بر فشارها و تهدیداتی که ممکن است توسط گروه‌های ذی‌نفوذ جامعه بر قاضی و روند دادرسی اعمال گردد، قضات ممکن است تحت فشار و تهدیداتی ظریف‌تر و به مراتب خطرناک‌تر قرار داشته و آن هم مربوط به افکار تمایلات عقیدتی و ایدئولوژی‌های خود است. بدین‌ترتیب قاضی بایستی در رسیدگی‌ها به افکار و عقاید خود توجهی ننموده و صرفا بر اساس قوانین موضوعه به قضاوت بنشیند و با این عمل بی‌طرفی خود را به خصوص در

---

[1] Bader Ginsburg, Ruth , « Judicial Independence: The Situation of the U.S. Federal Judiciary », 85 Neb. L. Rev. (2011) , Available at: http://digitalcommons.unl.edu/nlr/vol85/iss1/2

[2] The D.C. Circuit has stated that «[t]he Code of Conduct is the law with respect to the ethical obligations of federal judges » United States v. Microsoft Corp., 253 F.3d 34, 113 (D.C. Cir. 2001).

[۳] صادق منش، جعفر، «بررسی دگرگونی‌های اصل استقلال قاضی در دادرسی نظامی ایران» ، نشریه ماهنامه ، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، شماره ۷۲

پرونده‌های سیاسی همواره حفظ نماید.[۱] این مسئله بدین دلیل می‌باشد که قاضی نبایستی به ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی دیگران تبدیل شود. البته منع قضات از دخالت در امور سیاسی به معنای نادیده گرفتن تمامی حقوق سیاسی آن‌ها نیست؛ درواقع بر اساس اصل ۸ از اصول اساسی استقلال قضایی: « بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، قضات همچون دیگر شهروندان از حق آزادی بیان و عقیده، انجمن و تجمع برخوردارند مشروط بر اینکه در اعمال چنین حقوقی به شیوه‌ای رفتار نمایند که شأن شغلی، بی‌طرفی و استقلالشان محفوظ بماند.[۲] » اما بایستی همواره در اعمال این حق، چنان رفتار کنند که شأن قضاء و استقلال و بی‌طرفی قضایی محفوظ بماند.[۳] اما مسئله‌ای که ما در این بخش بدنبال پاسخی برای آن هستیم اینست که آیا این امر یعنی عدم مداخله قضات در سیاسی در قوانین جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده و اگر پیش بینی گردیده آیا ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته شده است یاخیر؟ در حقیقت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد عدم دخالت قضات در سیاست سکوت کرده است؛ اما چون بالاترین مقام قوه‌ی قضاییه وظیفه‌ی تعیین و نصب و انتخاب قضات مستقل را برعهده دارد، طبق اصل ۱۵۸ دارای وظایف مشخص و معینی است که این وظایف با امور سیاسی منافات دارد و قضات نیز جدای از سیاست‌های دولت و قوه‌ی مجریه صرفا به دادرسی و حل و فصل اختلافات مبادرت می‌نمایند و هم‌چنین با توجه به اصل ۱٤۱ قانون اساسی و تفسیر آن، یعنی ممنوع بودن قاضی از تصدی همزمان قضاوت و نمایندگی مجلس شورای اسلامی (که یک شغل سیاسی است) و بر اساس روح قانون اساسی و سابقه‌ی وجود مسئله‌ی عدم دخالت قضات در سیاست، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر صحه گذاشته است.[۴] هرچند از این حیث،

---

[۱] آرامش، رسول ، « عوامل تهدیدکننده‌ی استقلال قاضی » ، مجله‌ی دادنامه ، مرداد ۱۳۸۹ ، شماره ٤ ، ص ۵

[۲] سهرابی چهرازی ، مریم ، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان ، پیشین ، ص ۱۱٦

[۳] حبیب‌زاده ، محمدجعفر ، کرامت ، قاسم ، شهبازی‌نیا ، مرتضی ، « استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی» ، پیشین ، ص ۳٦

[۴] سهرابی چهرازی ، مریم ، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان ، پیشین ، ص ۱۱۷

قوانین جمهوری اسلامی ایران هنوز خلاء دارد و به منظور رفع این نقص، میبایست هرچه زودتر در این خصوص قوانین مورد نیاز به تصویب برسد.

ماده ۵۲ لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱٤ نیز دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی طرفی قائل شده است: ۱- ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت های وابسته به آنها. ماده فوق مقرر داشته است به منظور حفظ بی طرفی کامل و رعایت احترام و شئون قضایی عضویت متصدیان مشاغل قضایی در احزاب و جمعیت‌های سیاسی وابسته به آنها ممنوع است. ۲- ممنوعیت انتشار مجله سیاسی و حزبی. بنابراین هرگونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی برای قضات ممنوع است.[۱] در قوانین ایالات متحده‌ی امریکا نیز همانطور که در مبحث پیشین اشاره گشت مفهوم بی‌طرفی قضات در ٤ مورد قابل تصور است که آخرین مورد اینست که قاضی نفع سیاسی در پرونده نداشته و در واقع از نظر سیاسی در پرونده‌هایی با این موضوعات دارای موضعی کاملا بی‌طرف باشد[۲] تمایل و نفع سیاسی قاضی در پرونده ممکن است حالت درونی و بیرونی داشته باشد. منافع سیاسی بیرونی تقاطع میان استقلال و بی‌طرفی قاضی است؛ بدین معنا که بی‌طرفی قاضی زمانی است که آینده‌ی سیاسی او تحت کنترل و تابع نظر افرادی نباشد که از نتیجه‌ی پرونده‌ای که نزد او برای رسیدگی است، نفعی می‌برند.[۳] اما منافع سیاسی درونی و یا منافع سیاسی ناشی از درون قاضی به ایدئولوژی و هم‌چنین افکار سیاسی خود قاضی مربوط می‌شود، افکاری که قاضی بر روی آن‌ها تعصب داشته و همین امر ممکن است موجب گردد که قاضی به سمت یکی از

---

[۱]) متین دفتری ، احمد ، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی ، جلد اول ، چاپ سوم ، تهران ۱۳۴۰ ، دیباچه‌ی چاپ سوم

[2] B. Bright , Stephen , «Political Attacks on the Judiciary: Can Justice Be Done Amid Efforts to Intimidate and Remove Judges From Office for Unpopular Decisions? » 72 NEW YORK UNIVERSITY LAW REVIEW 308 (1997) , At: http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers , Part of the Law Commons

[3] Ibid

طرفین پرونده متمایل شده و یا علیه یکی از آن‌ها به صدور رأی بپردازد.[۱] به خواست و نظر بنیان‌گذاران ایالات متحده امریکا و بر اساس قانون اساسی آن، قضات باید در طول مدت خدمت خود از سیاست و نهادهای سیاسی حکومت به دور بوده و مستقلانه عمل نمایند تا بتوانند علاوه بر حفظ استقلال خود، بی‌طرفی را نیز در دعاوی رعایت نمایند.[۲] علاوه بر این، بر اساس قاعده‌ی پنجم از کد رفتار قضایی ایالات متحده‌ی امریکا با عنوان منع قضات از دخالت در امور سیاسی، یک قاضی نباید: ۱- به عنوان رهبر یک اداره و یا تشکیلات سیاسی فعالیت نماید؛ ۲- برای تشکیلات سیاسی و یا کاندیدای یک پست سیاسی سخنرانی نماید و حمایت و یا مخالفتی با یکی از کاندیداهای یک پست سیاسی اظهار نماید؛ ۳- برای کمک به یک تشکیلات سیاسی یا یک کاندید درخواست وجه نماید و یا در مراسم شام و یا هر گردهمایی دیگری که توسط گروه‌ها و یا افراد حامی یک تشکیلات و سازمان سیاسی و یا یک کاندیدا حضور داشته و یا اینکه همراهشان باشد. و نهایتا در بخش C در رابطه با دیگر فعالیت‌های سیاسی بیان گردیده است که هیچ قاضی نباید در هیچ‌گونه فعالیت سیاسی شرکت کند.[۳]

شاید بتوان نتیجه‌ی عدم دخالت قضات در سیاست را در جرایم سیاسی مشاهده نمود که متأسفانه عدم تعریف دقیق از جرم سیاسی و استفاده از قضاتی که از لحاظ سیاسی در بیطرفی قرار ندارند موجب گردد که بیطرفی مطلوب و مورد نیاز دادرسی حفظ نگردیده و حقوق متهم به درستی رعایت نشود. به بیان دقیقتر، چگونه میتوان قضاتی را که از شروط استخدامیشان تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران

---

[1] Gardner Geyh , Charles , «The Dimensions of Judicial Impartiality » , Research Paper Number 201 , 65 FLA. L. REV. 493 (2013) , available at : http://ssrn.com/abstract=2016522 pp.503-505

[2] Bader Ginsburg, Ruth , « Judicial Independence: The Situation of the U.S. Federal Judiciary », 85 Neb. L. Rev. (2011) , Available at: http://digitalcommons.unl.edu/nlr/vol85/iss1/2 , p.3

[3] « Code Of Conduct For United States Judges » , Last substantive revision (Transmittal GR-2) June 30, 2009, Last revised (minor technical changes) June 2, 2011 , Availabie at: http://www.uscourts.gov/RulesAndPolicies/CodesOfConduct/CodeConductUnitedStatesJudges.aspx

و اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه است، و یا زمانیکه بر اساس قوانین ایالات متحده‌ی امریکا، در خصوص نحوه‌ی انتخاب قضات فدرال، اولویت مهمی که رئیس‌جمهور مدنظر دارد آن است که نامزدهای مزبور از حزب سیاسی وی باشند، انتظار داشت در مواجهه با مجرمین سیاسی که به منظور اصلاح جامعه لب به اعتراض گشوده‌اند، با بیطرفی و عدالت به قضاوت بنشینند. درواقع در امریکا رئیس‌جمهور با انتخاب قضاتی که با نگرش سیاسی وی موافق باشند، می-تواند قوه‌ی قضاییه را با خود همسو و سیاست‌های خود را محقق سازد.[۱] رئیس‌جمهور اغلب برای پرکردن مناصب خالی قضایی، توصیه‌هایی را از رهبران گروه سیاسی خود دریافت می-دارد. نزدیک به ۹۰٪ قضاتی که توسط رئیس‌جمهور برای مناصب خالی قضایی انتخاب و معرفی می‌شوند، از اعضای حزب سیاسی رئیس‌جمهور هستند. این فرصتی است برای رئیس‌جمهور تا با انتخاب قضاتی که منعکس کننده‌ی دیدگاه‌های وی می‌باشند، بر رویکر قوه‌ی قضاییه تأثیر بگذارد.[۲] بدیهی است که این وابستگی سیاسی به نظام منجر میگردد که او نتواند با بیطرفی مطلوب به امر دادرسی پرداخته و با تساهل و تسامح به جرایم رسیدگی نماید. بنابراین میتوان گفت، بیطرفی سیاسی نه تنها عضو نبودن در هیچ یک از احزاب سیاسی است، بلکه نداشتن وابستگی سیاسی و عقیدتی به حکومت نیز میشود. مسئله‌ای که متأسفانه در نحوه‌ی گزینش تمامی قضات در اکثر کشورها رعایت نگردیده و موجبات عدم رعایت عدالت در روند رسیدگی به جرایم سیاسی را فراهم مینماید.

۳-۲- استقلال دادسرا از دادگاه

از زمانی‌که تاریخ توسط دانشمندان به ثبت رسیده، همواره مجرمین مجازات می‌شدند تا بتوان به عدالت واقعی دست یافت و در این میان هر تمدنی با تعقیب جرم و اجرای مجازات

---

[۱] امیری ، محسن ، مطالعه‌ی تطبیقی سازوکارهای تضمین استقلال قاضی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده ، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۹ ، ص ۸۰

[2]) Wheeler , R, « Judicial Independence In United States : current issues and relevant background » , Colombia Law Review , vol.34 , no.5 , (2005) , p.146

(آنچه امروزه به آیین دادرسی کیفری مشهور است) به شیوه‌ای خاص اجرای عدالت را دنبال می‌نمود.[۱] ماریو پاگائو حقوقدان قرن هجدهم ایتالیا در بیان جایگاه آئین دادرسی کیفری گفته است: «چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهید و مشتاق اطلاع از حدود و ثغور حمایت از آزادیهای مدنی باشید، به قانون آئین دادرسی کیفری آن مراجعه کنید.»[۲] به همین دلیل و به منظور حفظ حقوق عامه و هم‌چنین رعایت حقوق متهم (که از ان جمله بر خورداری از یک رسیدگی عادلانه و بی‌طرفان است)، رعایت بی‌طرفی قاضی و تضمین استقلال او، استقلال دادسرا از دادگاه امری لازم به شمار می‌آید. زیرا قرار گرفتن داستان و قضات داسرا در کنار دادرسان و قضات دادگاه‌ها، در یک مجموعه‌ی سازمانی واحد، به معنای یکی شدن مدعی و قاضی و در نتیجه، از میان رفتن بی‌طرفی در رسیدگی‌هاست.[۳] جدایی این دو نهاد از یکدیگر علاوه بر ایجاد شفافیت در انجام وظایف یعنی رسیدگی و عملکردهای این دو نهاد، نظارت بر آن‌ها را نیز آسان‌تر نموده و موجب پاسخگویی هرچه بیشتر آن‌ها نیز می‌گردد.[۴] اصل ۱۰ از اصول راهنما برای انجام وظیفه‌ی قضات دادسرا، مقرر می‌دارد: « کار دادستان‌ها به کلی از وظایف قضایی مجزاست. » بدین‌ترتیب در قوانین اکثر کشورها به خصوص آن‌هایی که دارای مقررات حقوقی پیش‌رفته هستند، این جدایی و انفکاک وجود داشته و دادستان یکی از کارگزاران دولت است.[۵]

در جمهوری اسلامی ایران، به موجب قوانین موضوعه، دادگستری از دو بخش دادسرا و دادگاه تشکیل گردیده است و قضات اعم‌اند از دادیارها و دادستان که در دادسرا به انجام

---

[1] C. Materni , Mike , « Criminal Punishment and the Pursuit of Justice » , 2 Br. J. Am. Leg. Studies (2013) , available at: http://ssrn.com/abstract=2256245 , p.263

[۲] جلائیان ، غلامرضا ، « احیاء دادسرا ، چرا وچگونه ؟ » ، شهریور ۱۳۸۹ ، منبع: سایت دادستانی کل کشور

[3] «Human Rights in the OSCE Region : Europe , Central Asia and North America » ; International Helsinki Federation for Human Rights (IHF) , Report 2007, (Events of 2006), available at: http://www.ihfhr.org/documents/doc_summary.php?d_id=4387

[۴] حبیب‌زاده ، محمدجعفر ، کرامت ، قاسم ، شهبازی‌نیا ، مرتضی ، « استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی » پیشین ، ص ٤٣

[۵] کاشانی ، سیدمحمود ، استانداردهای جهانی دادگستری ، انتشارات میزان ، تهران ۱۳۸۳ ، صص ١٤ – ١٢٧

وظیفه‌ی تحقیق و تعقیب جرم مشغولند و دادرسان که در دادگاه‌ها بر اساس کیفرخواست صادر شده از نهاد دادسرا، به قضاوت می‌پردازند. در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قضات را اعم از قاضی نشسته و قاضی تحقیق دانسته‌اند. آیت‌اله یزدی در این مجلس گفته است: «... در اسلام قاضی نشسته و ایستاده هیچ فرقی باهم ندارند...»[۱] بنابراین قانون اساسی ما نیز قاضی دادسرا و دادگاه را تفاوتی قائل نیست.[۲] بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری در ایران، در خصوص دادسرا و وظایف آن می‌توان گفت نهادی مستقل است که وظیفه‌ی تعقیب مجرمین با اعلام وقوع جرم و تحقیق در خصوص جرم ارتکابی را بر عهده دارد. علاوه بر آن نماینده‌ی دادسرا به عنوان مدعی‌العموم در جلسات رسیدگی به جرم در دادگاه حضور می‌یابد و پس از رسیدگی توسط دادگاه و صدور رأی پرونده مجددا به دادسرا برای اجرای حکم اعاده می‌گردد.[۳] بنابراین درست است که بی‌طرفی بایستی در هر دو نهاد دادگاه و دادسرا وجود داشته باشد، اما مسئله اینجاست که آیا نهاد تعقیب جرم که همان دادسرا است، در صورت صدور کیفرخواست علیه مجرم که به این صورت نظر خود را در خصوص جرم ارتکابی اعلام نموده، اگر از دادگاه مستقل نبوده و حتی گاهی وظیفه‌ی دادستان و دادرس را یک نفر به انجام می‌رساند،[۴] در این‌صورت می‌توان انتظار رعایت بی‌طرفی را در دادگستری داشت؟ البته میان دادستان و دادرس از حیث رعایت بی‌طرفی تفاوتی وجود نداشته و دادستان نیز به عنوان مدعی‌العموم با بغض و کینه و یا حب نسبت به هیچ فردی به تحقیق نمی‌پردازد و از این حیث موظف است تمامی اصول بی‌طرفی

---

[۱] مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد سوم ، صفحات ۱۳۱۸ به بعد

[۲] رک: ذیل واژه‌ی دادستان کتاب دایره‌المعارف علوم اسلامی (قضایی) ، ص ۵۵۷

[۳] دژخواه ، لیلا ، « نقدی بر لایحه اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (احیای دادسرا)» ، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق) ، بهار ۱۳۸۱ ، شماره ۲۵ ، ص ۸۷

[۴] (در دادگاه‌های بخش که دادسرا وجود نداشته و دادگاه بخش توسط دادرس و رئیس دادگستری اداره می‌گردد و وظیفه‌ی دادستان را دادرس عهده‌دار می‌باشد)

را رعایت نماید[۱] ولی مسئله‌ی بیان شده به قوت خود پابرجاست؛ بدین صورتکه در دادگاه-های بخش، شخصی که به عنوان دادستان به تعقیب و کشف جرم می‌پردازد، خود او به قضاوت در خصوص پرونده نشسته و همین امر بی‌طرفی او را از بین می‌برد. بنابراین لازم است در خصوص استقلال دادسرا از دادگاه در سطح دادگستری بخش قوانین مورد نیاز تصویب گردند تا حقوق مردم در دسترسی به یک دادگاه مستقل وبی‌طرف و هم‌چنین حقوق متهمین در برخورداری از یک محکمه‌ی عادلانه و بی‌طرف رعایت گردد.

در امریکا مانند اغلب کشورهای جهان، مقام تعقیب کننده‌ی جرم نقش بسیار مهمی داشته و به همان نسبت جایگاه ویژه‌ای نیز دارد. این مقام ،که اغلب دادستان‌های بخش، هم رده-های آن‌ها و هم‌چنین قائم مقامشان را در بر می‌گیرد، وظیفه‌ی رسیدگی به مسائل مربوط به جرایم مختلف که در حین رسیدگی به آن‌ها کشف می‌شود را بر عهده دارند. در واقع مقام تعقیب کننده است که بر اساس تحقیقات انجام شده توسط پلیس نهایتا تصمیم می‌گیرد که آیا پرونده‌ی مورد تعقیب بایستی جهت محاکمه به دادگاه ارجاع شود یا خیر. بنابراین دادستان وظیفه‌ی اصلی در تعقیب و کشف جرم را این مقام برعهده دارد.[۲]

مقام تعقیب کننده‌ی جرم در سیستم فدرال امریکا، بخشی از اداره‌ی دادگستری ایالات متحده‌ی امریکا است که از زیر شاخه‌های قوه‌ی مجریه است. در واقع دادستان کل که در رأس این اداره قرار دارد توسط رئیس جمهور با تأیید مجلس سنا منصوب می‌گردد. در سطح دادگاه‌های بخش یا همان دادگاه‌های ناحیه‌ی فدرال، ریاست این مقام را دادستان ایالات متحده‌ی امریکا برعهده داشته که او نیز همانند دادستان کل بوسیله‌ی رئیس جمهور البته با رضایت مجلس سنا منصوب می‌شود. درون اداره‌ی دادگستری، علاوه بر دادستانی، نهادی دیگر به نام دایره‌ی تحقیق و بازجویی فدرال[۳] وجود دارد که درخصوص جرایم علیه کشور

---

[۱] لوعلیان ، علیرضا ، « نگاهی متفاوت به مسئله‌ی دادگاه عمومی » ، مجله‌ی حقوقی دادگستری ، بهار ۱۳۷۹ ، شماره ۳۰ ، ص ۲۱۷

[2] L .Worrall , John , « Prosecution in America , a historical and comparative account » , 2008 state university of new york press , p.3

[3] Federal Bureau of Investigation (FBI)

تحقیق و بررسی می‌نمایند. علاوه بر آن ، هر ایالت یک دادستان کل درون قوه‌ی مجریه‌ی خود دارد که معمولا توسط شهروندان همان ایالت انتخاب می‌گردد و در سطح مناطق نیز مقامات تعقیب کننده‌ی جرایم که به دادستان‌های بخش یا دادستان‌های ایالت معروفند نیز وجود دارد که آن‌ها نیز اغلب توسط مردم همان منطقه انتخاب می‌شوند.[۱] در واقع قبل از ایجاد نهادی به نام دادستانی، FBI وظیفه‌ی تحقیق و رسیدگی در خصوص جرایم و تعقیب مجرمین در کلیه‌ی پرونده‌های کیفری (به استثنای پرونده‌هایی که به موجب قوانین خاص به دیگر نهادها واگذار می‌گردید) را بر عهده داشت؛ اما امروزه وظایف این دایره، به تحقیق در خصوص جرایم علیه کشور محدود گردیده است.[۲]

به منظور انجام وظایف مذکور در قوانین درخصوص تعقیب و کشف جرایم، در هر دادستانی یک مأمور استخدام گردیده است. این مأمورین دادستانی ایالات متحده‌ی امریکا، وظیفه‌ی مراقبت از دو هدف مهم اداره‌ی دادگستری را برعهده دارند: ۱- مبارزه با تروریسم و ارتقای سطح امنیت ملی که با حاکمیت قانون همراه است؛ ۲- مبارزه با جرم، حمایت از حقوق و آزادی‌های مردم امریکا و اجرای قوانین فدرال. دادستان‌های امریکا، به عنوان مدعی-العموم در رسیدگی‌های قضایی ایفای وظیفه می‌نمایند. در سال ۱۷۸۹ میلادی، کنگره‌ی به دنبال اختیاراتی که قانون اساسی به وی اعطا نموده و هم‌چنین تعهداتی که برایش ایجاد کرده، قانونی راجع به مسائل قضایی وضع نمود. به موجب این قانون، نهاد تعقیب و تحقیق جرایم از دادگستری مستقل گردید. پس از آن در سال ۱۸۷۰، به موجب قانونی به نام قانون

---

[1] «The U.S. Legal System: A Short Description , from : Federal Judicial Center» , At: http://www.fjc.gov/public/pdf.nsf/lookup/U.S._Legal_System_English07.pdf/$file/U.S._Legal_System_English07.pdf , p. 4 , may 2013

[2] B . Mukasey , Michael , « The Attorney General's Guidlines For Domestic FBI Operations » , (2008) , available at: http://www.justice.gov/ag/readingroom/guidelines.pdf , p.5

ایجاد اداره‌ی دادگستری، این اداره تأسیس و در رأس آن دادستانی کل قرار گرفت،[۱] و طبق آن به رئیس جمهور اختیار تعیین دادستانی را برای دادگاه‌های بخش (ناحیه) در سطح فدرال اعطا گردید. این دادستان بایستی از میان افرادی که در رشته‌ی حقوق تحصیل نموده‌اند و با قوانین آشنایی کامل دارند انتخاب گردند. درحقیقت تا قبل از سال ۱۸۷۰، دادستان‌های امریکا به صورت مستقل انجام وظیفه می‌نمودند، ولی پس از این سال آن‌ها به مجموعه‌ی اداره‌ی دادگستری پیوسته و جزئی از قوه‌ی مجریه گردیدند.

امروزه هریک از دادستان‌های امریکا به عنوان رئیس اداره‌ی اجرای قوانین در حوزه‌ی قضایی خود خدمت کرده و همانطور که بیان شد وظایف ذیل را برعهده دارند: ۱- تعقیب جرایم و مجرمین در پرونده‌های کیفری که توسط دولت فدرال گردآوری شده است؛ ۲- طرح دعوی و هم‌چنین ارائه‌ی دفاعیات در خصوص پرونده‌های حقوقی که ایالات متحده‌ی امریکا یکی از طرف‌های آن می‌باشد؛ ۳- بررسی و تحقیق در خصوص پرونده‌های حقوقی و کیفری که در دادگاهای استیناف امریکا مطرح گشته‌اند.[۲] دادستان کل نیز که در رأس اداره‌ی دادگستری قرار گرفته بر تمامی دادستانی‌ها و وکلای استخدام شده از طرف ایالات متحده‌ی امریکا کنترل و نظارت می‌نماید؛ علاوه بر آن، سرپرستی و نظارت بر گزارشات و صورت حساب‌های دادستان‌ها و کلانتری‌های امریکا را نیز بر عهده دارد.[۳]

بدین‌ترتیب همانطور که گذشت، نهاد دادسرا در امریکا که اداره‌ی دادگستری نام گرفته و وظیفه‌ی تعقیب و تحقیق درباره‌ی جرم و مجرمین را عهده‌دار می‌باشد، از دادگاه‌های آن کاملا مستقل بوده؛ ولی در عین این استقلال، دادستان کل و همینطور دادستان‌های بخش را

---

[1] Ashcroft , John , « Attorney Gencral Guidelincs for Offices of Inspector Gencral with Statutory Law Enforcemcnt Authority » , office of the attorney general , whashington d.c , 20530

[2] «U.S. Department of Justice , United States Attorneys» , www.justice.gov/jmd/2014justification/pdf/usa-justification.pdf , 2013/8/15 , pp.1-2

[3] Ashcroft , John , « Attorney Gencral Guidelincs for Offices of Inspector Gencral with Statutory Law Enforcemcnt Authority » , op.cit

می‌توان همکاران بسیار نزدیک دادگاه‌ها دانست که با قوه‌ی قضاییه ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد.[1] حتی برخی آن را نهادی میان قوه‌ی مجریه و قضاییه و عموم مردم دانسته و درواقع از همه‌ی آن‌ها مستقل ولی مربوط می‌دانند. اما آن‌چه به نظر صحیح می‌آید اینست که اداره‌ی دادگستری و در رأس آن دادستان کل، زیر مجموعه‌های قوه‌ی مجریه می‌باشند.

نتیجه گیری

درنهایت می‌توان گفت استقلال قضایی در مقررات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی امریکا، هم در قانون اساسی و هم در دیگر قوانین تاحدی شناسایی گردیده است،ولی کاستی‌هایی نیز در برخی موارد مشاهده می‌گردد. از طرف دیگر در مرحله‌ی عمل یا به معنای دیگر اجرای قوانین تصویب شده نیز برخی از جنبه‌های مذکور در قوانین نادیده گرفته شده و منظور قانون‌گذار محقق نمی‌گردد. در جمهوری اسلامی ایران مقررات در بعد استقلال تشکیلاتی، (بغیر از موارد نقضی که در متن به آنها اشاره گردید) تاحدی مورد قبول است ولی در مبحث استقلال و بی‌طرفی قضات متأسفانه قوانین جامع و مانعی وضع نگردیده و عمل ننمودن به این مقررات نیز بر مشکلات افزون گردیده است.

اولین مسئله‌ای که در خصوص نقایص هر دو سیستم مورد مطالعه می‌توان نام برد، بحث انفصال دائم و یا موقت از جایگاه قضاوت است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، ایراد مذکور در خصوص نقل و انتقالات قضات مذکور در انتهای اصل ١٦٤ قانون اساسی است. نقل و انتقال و عزل و نصب قضات بایستی بر اساس نظر و خواست خود قضات و هم‌چنین ضوابط معین و به موجب قانون مصوب در یک فرآیند دموکراتیک، صورت گیرد. بنابراین برای حل این مشکل باید بازنگری در قانون اساسی و حذف قسمت آخر اصل ١٦٤ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد. در واقع از نظر معنوی، موقعیت اجتماعی،

[1] « Understanding Your Court System: A Guide to the Judicial Branch » , Published by the Tennessee Supreme Court , Administrative Office of the Courts , available at: http://tncourts.gov/sites/default/files/citizenbook-revised.pdf

موضع و موقع قضات به ویژه قضات نشسته (یعنی قضات دادگاه‌ها) و بازپرسان به نحوی مستحکم و آسیب ناپذیر شود که جز در صورت ارتکاب تخلفات بسیار بزرگ یا جرائم و پس از رسیدگی دادگاه انتظامی قضات و تعلیق قاضی، به هیچ شکلی نتوان محل خدمت او را تغییر داد. در جوار این موارد باید برخورد با قضات منحرف، خواه انحرافشان مالی باشد و خواه اخلاقی و خواه جناحی و حزبی به شدت برخورد شود. به نحوی که اگر قاضی رشوه گرفت یا به جهت دیگری پایش لغزید مطمئن باشد که زندگی قضایی او چه به عنوان قاضی و چه به عنوان وکیل یا هر شغلی وابسته به امر قضا پایان یافته است و راه به هیچ جایی نخواهد برد.

در ایالات متحده‌ی امریکا موردی که از این حیث به استقلال قضات آسیب زده و آن را از بین می‌برد، به کارگیری روش ایراد اتهام و محاکمه قضات توسط دو مجلس سنا و نمایندگان است. البته قضات باید مورد نظارت قرار گیرند تا اگر زمانی موجب نقض قانون شوند و یا به حق و عدالت به وظایف خود نپردازند و یا مرتکب جرم و جنایتی گردند، بتوان آن‌ها تحت تعقیب قرار داد ولی بهتر است به منظور این کار، افراد متخصص و بی‌طرفی نیز در محاکمه حضور داشته تا موجب سوء استفاده از این اختیار نگردد. علاوه بر این برخی از ایالات کمیته‌ای برای نظارت بر قضات تأسیس نموده‌اند تا بر امور انضباطی و تخلفات قضات نظارت نمایند. چیزی شبیه این ایراد نیز در خصوص قسمت اخیر اصل ١٦٤ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قید گردید.

نقطه‌ی ضعف بعدی در نحوه‌ی گزینش قضات هم در جمهوری اسلامی ایران و هم در ایالات متحده‌ی امریکاست. در ایران گزینش قضات بیشتر شبیه به یک گزینش عقیدتی است تا تخصصی. بنابراین بایستی اصلاح هرچه سریعتر آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ١٣٧٦/١٠/١ بازنگری و اصلاح شود. شیوه‌ی گزینش قضات فدرال در امریکا، توسط رئیس جمهور که اغلب با ملاحظات سیاسی همراه است و از سوی دیگر گرفتن رأی اعتماد از مجلس سنا در صورتی که حزب موافق رئیس جمهور باشند به این امر دامن می‌زند و در صورتیکه مخالف رئیس جمهور باشند تضاد منافع حزبی پیش آمده

و به نظر می‌رسد اگر در خصوص قضات انتخابی شرایط مشخصی ذکر گردد و از جمله‌ی آن‌ها بیطرفی کامل سیاسی قضات باشد و همین‌طور قواعدی شفاف را در نظر بگیرند که قضات شایسته و متخصص انتخاب گردند و از این جهت نیز شفاف سازی گردد، موجب استقلال بیشتر قضات می‌گردد.

مورد بعدی بحث استقلال دادسرا از دادگاه‌ها است. بر اساس مقررات فعلی، قاضی بخش در آن واحد نقش دادرس و دادستان را باهم ایفاء می‌نماید که این مسئله بی‌طرفی او را خدشه‌دار می‌نماید. بنابراین لازم است در این مورد بر اساس مطالب مذکور در فصل آخر اقدامات لازم صورت گیرد. پس از آن باید گفت که نظام سلسله مراتب به هیچ عنوان نباید در دادگستری وجود داشته باشد. بحث نظام نظارتی مثل وجود دادگاه‌های انتظامی قضات و امثال آنها می‌تواند کمک کند که سیستم قضایی سلامت خود را همیشه حفظ کند. اگر سلسله مراتب وجود داشته باشد کمکی به استقلال قاضی نمی‌شود.

به عنوان موضوعی محیط و سایه افکن بر همه مواردی که گفتیم، غیرسیاسی بودن مطلق تشکیلات قضایی را باید به عنوان شرط لازم برای استقلال آن و توسعه عدالت تصریح کنیم تشکیلات قضایی "سیاسی کار" و قاضی "سیاست زده" نه تنها به توسعه عدالت کمک نمی‌کند بلکه باعث ایجاد حس مظلومیت در افراد و گروه‌ها می‌شود و وجود چنین حسی بین مردم به ویژه اگر فراگیر شود بسیار خطرناک است. بنابراین درمورد منع مداخله‌ی قضات در سیاست باید قوانینی مناسب وضع گردد.

فهرست منابع

الف) کتابها

راسخ ، محمد ، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی ، انتشارات دراک ، چاپ نخست ، پاییز ۱۳۸۸
رشوند بوکانی، مهدی ، استقلال قاضی و قوه‌ی قضاییه در حقوق ایران، امریکا و فرانسه ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، چاپ اول ، تهران ، پاییز ۱۳۸۸
زراعت ، عباس ، جرم سیاسی ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، تهران ۱۳۷۷
عبدالحسین ، حقوق جنایی ، جلد سوم ، انتشارات فردوسی ، تهران ۱۳۷۳
عرفانی ، محمود ، حقوق تطبیقی نظام های حقوقی معاصر ، انتشارات جنگل ، چاپ سیزدهم ، ۱۳۹۰
قاضی ، سید ابوالفضل ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، نشر میزان ، تهران ، زمستان ۱۳۸۳ ، چاپ ۱۱
کاشانی ، سیدمحمود ، استانداردهای جهانی دادگستری ، انتشارات میزان ، تهران ۱۳۸۳
متین دفتری ، احمد ، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی ، جلد اول ، چاپ سوم ، تهران ۱۳٤۰ ، دیباچه‌ی چاپ سوم
متین دفتری، احمد ، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی ، جلد دوم ، حکم و طرق شکایت از حکم ، تهران ۱۳۳٤،
مدنی ، جلال‌الدین ، آیین دادرسی مدنی ، جلد اول ، انتشارات دانشگاه ملی ایران ، بی‌تا
مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد سوم
مهرپور ، حسین ، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، نشر دادگستر ، چاپ سوم ، تابستان
هاشمی، سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، جلد دوم حاکمیت و نهادهای سیاسی ، نشر میزان ، چاپ ۱۹ ، تهران ، زمستان ۱۳۸٦

ب)مقالات

آرامش، رسول ، « عوامل تهدیدکننده‌ی استقلال قاضی » ، مجله‌ی دادنامه ، مرداد ۱۳۸۹ ، شماره ٤ ، ص ۵
پژمان صور ، علی ، «سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا» ، قابل دسترسی در : http://sour.ir/post/38
جلائیان ، غلامرضا ، « احیاء دادسرا ، چرا وچگونه ؟ » ، شهریور ۱۳۸۹ ، منبع: سایت دادستانی کل کشور
حبیب‌زاده ، محمدجعفر ، کرامت ، قاسم ، شهبازی‌نیا ، مرتضی ، « استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی» ، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی ، زمستان ۸۹ – شماره ٤
دژخواه ، لیلا ، « نقدی بر لایحه اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (احیای دادسرا)» ، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق) ، بهار ۱۳۸۱ ، شماره ۲۵

رییس جعفری ، رسول ، « خداحافظ مدیریت، خداحافظ برنامه ریزی »، نشریه علوم انسانی « گزارش»، مرداد ۱۳۸٦ ، شماره ۱۸۹

صادق منش، جعفر، «بررسی دگرگونی‌های اصل استقلال قاضی در دادرسی نظامی ایران» ، نشریه ماهنامه ، بهمن و اسفند ۱۳۸۷، شماره ۷۲

صنیعی منفرد، محمد علی ،« استقلال قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران » ، مجله حکومت اسلامی ، زمستان ۱۳۸۰ ، شماره ۲۲

ج) پایان نامه ها

امیری ، محسن ، مطالعه‌ی تطبیقی سازوکارهای تضمین استقلال قاضی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده ، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۹

امین رعیای جزه ، یاسر ، بررسی تطبیقی تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

پیوندی، غلامرضا، بررسی فقهی جرم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید

رحمتی فر ، سمانه ، به زمامداری و دستگاه قضایی ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۷

سهرابی چهرازی ، مریم ، بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸٤

لوعلیان ، علیرضا ، « نگاهی متفاوت به مسئله‌ی دادگاه عمومی » ، مجله‌ی حقوقی دادگستری ، بهار ۱۳۷۹ ، شماره ۳۰

نطنزی ، محمود ، بررسی حدود اختیارات و عملکرد ریاست قوه‌ی قضاییه در جمهوری اسلامی ایران ، پایان-نامه کارشناسی ارشد

حقوق عمومی ، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران ، پردیس قم

Ashcroft , John , « Attorney General Guidelines for Offices of Inspector General with Statutory Law Enforcement Authority » , office of the attorney general , whashington d.c , 20530

B . Mukasey , Michael , « The Attorney General's Guidelines For Domestic FBI Operations » , (2008)

B. Bright , Stephen , «Political Attacks on the Judiciary: Can Justice Be Done Amid Efforts to Intimidate and Remove Judges From Office for Unpopular Decisions? » 72 NEW YORK UNIVERSITY LAW REVIEW 308 (1997)

B. Cross , Frank , Thoughts on Goldilocks and Judicial Independence, Ohio State Law Journal, Vol. 64: 195
Baar, Carl , National Center for State Courts، Separate but Subservient: Court Budgeting in the American States (Lexington Books) ، 1975
Bader Ginsburg, Ruth , « Judicial Independence: The Situation of the U.S. FederalJudiciary » , 85 Neb. L. Rev. (2011)
Bam, Dmitry , Understanding Caperton: « Judicial Disqualification Under The Due Process Clause » , Stanford Center on the Legal Profession , 9-Aug-2012
Barak, Aharon , « the Judge in a Democracy, Princeton: Princeton University Press », (2006)
Berlin, Isaiah , «Liberty : Incorporating Four Essays on Liberty» , New York : Oxford University Press , (2002)
Black's law Dictionary, west publishing co. at 693, (1979)
Brand , Rachel - « A Practical Look at Federal Judicial Selection » – Winter 2010
C. Materni , Mike , « Criminal Punishment and the Pursuit of Justice » , 2 Br. J. Am. Leg. Studies (2013)
Code Of Conduct For United States Judges » , Last substantive revision (Transmittal GR-2) June 30, 2009
Code Of Judicial Conduct » , [Effective: December 20, 1973; amended effective May 1, 1997.]
Debeljak , Julie, «Judicial Independence in the Modern Democratic State», Australian, Reform Issue 74 , Autumn 1999, pp. 35-39
Donahey, M. Scott , «The Uniform Domain Name Dispute Resolution Process and the Appearance of Partiality: Panelist Impaled on the Horn of Dilemma» , Paper Journal of International Arbitration ,Volume 19 (2002
Dung Luu, Tien , «Judicial Independence in Transitional Countries», United Nations Development Programme – Oslo Governance Centre, January 2003.
F. Hogan , Thomas ,« The Federal Court System In The United States » , An Introduction for Judges and Judicial Administrators in Other Countries , Article III Judges Division, Office of Judges Programs Administrative Office of the U.S. Courts, Thurgood Marshall Federal Judiciary Building Washington, D.C. 20544 ,2010
F. Hogan، Thomas ، «Interview: AO Director Discusses Challenges Facing Judiciary» ، June 07, 2012)
Federal Judicial Selection » – AJS (American Judicature Society , promoting the effective administration of justice)
Ferejohn , John ، «Dynamics of Judicial Independence: Independent Judges, Dependent Judiciary»» ، Stanford University،New York University School of Law،November, 1998
Ferejohn, John, Independent Judges, Dependent Judiciary: Explaining Judicial Independence, 72 S. CAL. L. REV. 353, 366 (1999)
Frank B. Cross, Political Science and the New Legal Realism : A Case of Unfortunate Interdisciplinary Ignorance, 92 NW. U. L. REV . 251 279 (1997)
Gardner Geyh , Charles , «The Dimensions of Judicial Impartiality » , Research Paper Number 201 , 65 FLA. L. REV. 493 (2013)
Gardner Geyh , Charles ,« Judicial Disqualification: An Analysis of Federal Law », Associate Dean of Research John F. Kimberling Professor of Law , Indiana University Maurer School of Law , Legal Editor: Kris Markarian , Federal Judicial Center 2010

George, E. Tracy,« Judicial Independence and the Ambiguity of Article III Protection » , OHIO State Law Journal , vol.64 , (2003)
Gillespie, Alisdair ,« Judges and Judicial Independence» , Oxford University Press ,2007/12/1
Graham , Fred , « American Juries », U.S. Department Of State , JUly 2009 , VOlUME 14 , NUMBER 7
Gur،Arie، Mira، Wheeler، Russell، «Judicial Independence in the United States»:Current Issues and Relevant Background Information
Gur،Arie، Mira، Wheeler، Russell، «Judicial Independence in the United States» , Current Issues and Relevant Background Information
Howard, Dick, Judicial Independence in Post-Communist Central and Eastern Europe, in Judicial Independence In The Age Of Democracy 89, 89
Human Rights in the OSCE Region : Europe , Central Asia and North America » ; International Helsinki Federation for Human Rights (IHF) , Report 2007, (Events of 2006),
J. Alfini, James, Lubet, Steven, M. Shaman, Jeffrey , & Gardner Geyh, Charles, «Judicial Conduct and Ethics § 4.02» (4th ed. 2007).
Judicial Salaries Since 1968
K. Warren Roger, «The Importance of Judicial Independence andAccountability»
Klerman , D ,« Nonpromotion and Judicial Independence» . 72 U.S cal.rev , .(1999)
Klerman, Daniel M. & Paul G. Mahoney ,«The Value of Judicial Independence: Evidence from Eighteenth Century England », American Law and Economics Review, vol. 7 no. 1 , (2005)
L .Worrall , John , « Prosecution in America , a historical and comparative account » , 2008 state university of new york press
Lecce ، Gail ، «Guidance for Promoting Judicial Independence and Impartiality». Revised Edition) and document identification number
Liljeberg v. Health Servs. Acquisition Corp., 486 U.S. 847, 860 n.8 (1988).
Luu Tien Dung , Judicial independence in transitional countries , United Nations Development Programme Oslo Governance Centre The Democratic Governance Fellowship Programme , January 2003
M. Martin, Ellen , « Disqualification of Federal Judges for Bias Under 28 U.S.C. Section 144 and Revised Section 455 » , 45 Fordham L. Rev. 139 (1976)., Available at: http://ir.lawnet.fordham.edu/flr/vol45/iss1/8
Model Code of Judicial Conduct », Canon 3C (1972) (current version at Model Code of Judicial Conduct, R. 2.11 (2007)).
Model Code of Judicial Conduct » 2.11(a) (2007); Canon 3C, Code of Conduct for United States Judges (2009)
Peter H. Russell, Toward a General Theory of Judicial Independence, Judicial Independence In The Age Of Democracy, supra note 6, at 1, 3
Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts», American Bar Association, August 2007,110D.
Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts» ، American Bar Association ، August 2007 ، 110D.

Ramseyer, J. Mark & Eric B. Rasmusen , « Judicial Independence in Civil Law Regime: The Evidence from Japan », Journal of Law, Economic and Organization, v. 13 n. 2, 259-286, (1997

Segal , J , « Seperation of Powers Games in The Positive Theory of Congress and Courts » , 91 am pol . sci rev . 28,42 . (2003)

Stephen B. Burbank, The Architecture of Judicial Independence, 72 S. CAL. L. REV. 315, 316 (1999) ,

Stevens, Robert , «A Loss of Innocence? Judicial Independence and separation of Powers », Oxford Journal of Legal Studies, vol. 19, 365-402 , (1999)

The D.C. Circuit has stated that «[t]he Code of Conduct is the law with respect to the ethical obligations of federal judges » United States v. Microsoft Corp., 253 F.3d 34, 113 (D.C. Cir. 2001).

The U.S. Legal System: A Short Description , from : Federal Judicial Center» , , may 2013

Understanding the United States Judiciary's National Budget Process» ، Administrative Office of the United States Courts ، Washington, D.C. 20544 ، Russian ،American Judicial Partnership II ، Chemonics International INC

Understanding Your Court System: A Guide to the Judicial Branch » , Published by the Tennessee Supreme Court , Administrative Office of the Courts

Weber, Linda, Judicial Independence: Essential, Limited, Controversial , Leonore Annenberg Institution for Civics,

Wheeler , R, « Judicial Independence In United States : current issues and relevant background » , Colombia Law Review , vol.34 , no.5 , (2005)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی